

اصول و روش تدوین دکترین نظامی

دکتر محمداقبر دانش آشتیانی^۱

تاریخ وصول: ۸۹/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۲۵

چکیده

در این مقاله که با استفاده از ترجمه چندین مقاله خارجی درباره دکترین نظامی تهیه و تألیف شده، پس از تبیین ماهیت و تعریف دکترین، با اشاره به اصول جنگ و رابطه آن با دکترین نظامی، یک روش پنج مرحله‌ای برای تدوین دکترین نظامی معرفی و توضیح داده شده است. مطالعات و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که دکترین ماهیتاً از جنس اندیشه و تفکر است که اصالتاً در تفکر، جهان بینی و قالب‌های ذهنی افراد ریشه دارد و معمولاً به صورت نظریه اعلان می‌شود. به طور کلی دکترین را می‌توان به دو نوع فردی و سازمانی تقسیم‌بندی کرد. افراد اعم از رهبران، فرماندهان نظامی، مدیران یا کارکنان سازمان‌ها در هر سطحی معمولاً برای تصمیم‌گیری، اجرای مأموریت و انجام امور، دارای دکترین خاص خود (دکترین فردی) می‌باشند. از طرفی هم در این مقاله نتیجه گرفته شده که دکترین سازمانی و ملی که از نظر نوع و فرایند شبیه هم هستند، هنگامی شکل می‌گیرند که در سازمان یا در سطح ملی برای اجرای یک وظیفه خاص یا یک مأموریت، دکترین فردی یک مدیر پذیرفته می‌شود یا در مورد دکترین‌های فردی مدیران سازمان اجماع حاصل می‌شود. در این مقاله همچنین توضیح داده شده است که دکترین نظامی یا دکترین سازمانی و رسمی نیروهای مسلح به سه نوع دکترین نیرویی، دکترین مشترک و دکترین مرکب تقسیم می‌شود و دارای سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی است.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه دفاع ملی



واژگان کلیدی: دکترین^۱، اصول جنگ^۲، راهبرد^۳، عملیات^۴، تاکتیک^۵.

مقدمه

بدون استثناء نیروهای مسلح موفق دارای افرادی کارآمد، با آموزش‌های کیفی و فناوری پیشرفته بوده‌اند که همگی با یک دکترین منطقی مورد پشتیبانی قرار گرفته‌اند (استفانر، ۱۹۹۴)

دکترین واژه‌ای است فرانسوی به معنی مسلک، عقیده، رأی، نظریه و فکر (عمید، ۱۳۷۱: ۱۱۳۴). دکترین در لغت به اشکال مختلفی از جمله دیدگاه، الگو، بیانیه، اصول، نظریه، خط مشی، چگونگی عمل، راهنما و روش و ده‌ها عنوان دیگر تعریف شده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۲). معادل آن در زبان فارسی واژه آیین با ریشه پهلوی است که دارای معانی دستور، روش، رسم، عادت، نظم، قاعده، سنت و کیش می‌باشد. دکترین در فارسی مترادف آموزه هم به کار رفته و اخیراً نیز واژه رهنامه را معادل آن برگزیده‌اند. در فرآیند اجتماعی شدن انسان‌ها و تشکیل جوامع بزرگ امروزی، نخستین هدف و تفکر اصلی دفاع و مبارزه دسته جمعی برای حفظ بقا و برقراری امنیت بوده که به تدریج هم سازمان‌های خاص آن به وجود آمده و روش‌ها و ابزارهای لازم برای آن ابداع شده است. سازمان‌های نظامی برای دفاع از جوامع تشکیل شده و در خدمت سیاستمداران و اداره کنندگان آن قرار گرفته‌اند. هر قومی برای جنگیدن به وسیله سازمان‌های نظامی خود، آیین، نظم، قاعده و راه و رسم ویژه خود را داشته و به هنگام جنگ و حتی پیش از بروز جنگ، این آیین‌ها را به کار برده است. همه حرفه‌ها در بین ملل مختلف آیین‌های خاص خود را داشته‌اند و همواره مهم‌ترین آیین‌های هر قوم و ملتی آیین‌های دینی و آیین‌های نظامی آنها بوده که با وجود قدمتی به درازای تاریخ طولانی عمر بشر در زمین، تا کنون نیز همچنان از جمله مهم‌ترین آیین‌های ملل مختلف دوام یافته‌اند.

1. Doctrine
2. Principle of war
3. Strategy
4. Operation
5. Tactic



برخی آیین‌ها از جمله آیین دینی به نظر می‌رسد که تغییرپذیر نمی‌باشند و از اسطوره‌ها و نمادهای خاص جوامع خود که گاه به صورت قدیسی مورد ستایش و پرستش قرار می‌گیرند بهره می‌برند و یا برخی دیگر از آیین‌ها همان طور که در طول قرن‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و جوامع بشری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، از عصر و زمانه خود و از بعضی عناصر تأثیرگذار نیز کم و بیش تأثیر می‌پذیرند و تغییر می‌کنند.

آیین نظامی که در فرهنگ ملل مختلف از آن با عنوان دکترین نظامی یاد می‌کنند از جمله آیین‌هایی است که در طول تاریخ ملت‌ها دستخوش تعبیر و تحول شده و این تغییرات به ویژه تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی، فناوری تسلیحاتی، تجارب تاریخی، تغییرات محیطی و نوع و ماهیت تهدیدات بوده و از آنها پیروی کرده است.

دایره‌المعارف^۱ و یکی‌پدیا خاستگاه مفهوم دکترین را در اروپای قرون وسطی و در فلسفه علم دانسته و در این باره این چنین آورده است:^۲ «در آن دوران به کسانی که مدارج عالی در آموزش‌های دانشگاهی را طی می‌کردند دکتر خطاب شده و رساله فارغ التحصیلی آنها دکترین خوانده می‌شد.^۳ کلمه دکترین از لفظ لاتین دکتر به معنی معلم، گرفته شده و به نتیجه پژوهش در رابطه با فلسفه یک موضوع اطلاق می‌شود. در فلسفه علم، دکترین، ماهیت نظری داشته و می‌توان آن را مشابه نظریه دانست. در این قلمرو دکترین به معنای نظریه‌ای علمی است که روند اثبات را طی می‌کند، اما هنوز به مرحله اثبات نرسیده است. کارکرد اصلی دکترین در گفتمان علمی، تصریح دیدگاه یک متفکر در قبال یک موضوع است. بنابراین دکترین‌های علمی، وابستگی بسیاری به افراد داشته و به طور طبیعی با افزایش مقبولیت و نتیجه بخشی دکترین، نشر می‌یابند.^۴ عموماً این قبیل دکترین نیاز کمتری به توافق داشته و در رقابت‌های سالم و نتیجه‌گرا به اثبات می‌رسند.

1. Wikipedia

۲- در این قسمت از مقاله برای روشن تر شدن مفهوم دکترین، از مطالب آورده شده در پروژه تحقیقاتی که تحت عنوان مهندسی دکترین شناختی امنیت نظامی (منشور مدشا)، در پژوهشکده امنیتی نظامی سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا انجام گرفته بهره برداری شده است.

۳- واژه PhD به معنی دکترای فلسفه و مخفف کلمه لاتین Philosophy Doctor است.

۴- دیدگاه‌های متفاوتی مانند اثبات گرایی، ابطال گرایی، کل گرایی، واقع گرایی و جامعه گرایی در فلسفه علم برای تبیین فرایند نشر یک دکترین توسعه یافته است.



در این عرصه دکترین در بالای هرم اجتماع شکل گرفته و به سطوح زیرین فرو می‌ریزد. بنابراین دکترین‌های آکادمیک (علمی و دانشگاهی) در فرایندهای بالا به پایین ایجاد شده و در روندهای توزیع شده و خودجوش به رسمیت می‌رسند و نمونه‌ای از این دست، دکترین هومر- دیکسون در عرصه آکادمیک (علوم دانشگاهی) امنیت است که کمبود منابع طبیعی را به عنوان عامل اصلی منازعات مدنی معرفی می‌کند.

در دوران قرون وسطی مفهوم دکترین در گفتمان دینی نیز به کار می‌رفت. در ادیان و مذاهب از واژه دکترین، آموزه‌های مذهبی و کلامی اراده می‌گردید. دکترین در این تعبیر، بنیادی و اصیل، امری بدیهی و فوق چون و چرا، دارای مبنای استوار در متون دینی، مورد اعتماد مومنان و دارای جنبه عملی و راهبردی است. مانند دکترین بودا، دکترین مایا و دکترین مهدویت. در آیین مسیحیان اصطلاح دکترین یا «دگما» به معنای آموزه‌هایی است که برای پیروان مسیح رستگاری را به ارمغان می‌آورد. در دایره‌المعارف کاتولیک آمده است که این اصطلاح برای تعالیم مذهبی شفاهی یا تبشیرهای انجیل به کار می‌رود. در آیین یهودیان نیز دکترین به معنای آموزه یا تعلیم است و بیشتر برای تعالیم تورات به کار برده می‌شود. با توجه به کاربرد دکترین در آموزه‌های اعتقادی، از واژه دکترین واژه دیگری در زبان انگلیسی به صورت indoctrination ساخته شده که در مقابل واژه تعلیم یا education، پذیرش انفعالی را بیان می‌کند. به لحاظ ریشه‌شناختی، واژه دکترین از املای لاتین didache گرفته شده که به معنای گرفتن و دریافت کردن است. در متن یونانی عهد جدید دو واژه برای دکترین آمده است: didaskalia و didache. هر دو واژه به معنای آموزه، تعلیم و تبیین به کار رفته‌اند.

در اسلام منظور از دکترین، آموزه یا آموزه‌های اعتقادی و کلامی است که هم اصیل و بنیادین است و هم جنبه راهبردی دارد. گاه بر حسب استعمال و به مقتضای اضافه شدن «دکترین» به آموزه‌های دینی از آن معنایی همچون فلسفه، مکتب فکری و نوعی گرایش را می‌توان استنباط کرد، مانند «دکترین مهدویت» که به معنای «فلسفه مهدویت» و «مکتب فکری مهدویت» و «مهدویت‌گرایی» است.



به طور کلی در قلمرو دین، دکتربین به نظام^۱ اندیشه و رفتار دینی اشاره دارد که مابین جهان‌بینی و هنجارهای دینی در موضوعی خاص قرار می‌گیرد. بنابراین در گفتمان دینی، دکتربین ماهیت هنجارساز داشته و می‌توان آن را مشابه ایدئولوژی^۲ دانست. روشن است که در این تعبیر، دکتربین از دل اصول و آموزه‌های دینی بیرون کشیده شده و در فرایندی کاملاً بالا به پایین شکل می‌گیرد. این دکتربین‌ها صرفاً توسط نخبگان دینی، واکاوی و تبیین شده و اساساً در بدنه اجتماع به صورت هنجارهای رفتار دینی، تبلور می‌یابند.

در گروه‌های سیاسی و احزاب، دکتربین مفهومی بلندپروازانه و ماهیتی شعاری داشته و می‌توان آن را مشابه مرام‌نامه دانست. کارکرد اصلی دکتربین در این گفتمان، نمایش آئین سیاسی، مدیریتی و یکسان‌سازی موضع‌گیری و رفتار سیاسی است. دکتربین در عرصه سیاست به معنای برنامه، مدل یا یک اصل سیاسی است که از جانب یک سیاستمدار یا اندیشمند سیاسی مطرح می‌شود. منظور از دکتربین در اینجا، دیدگاه خاص سیاسی است. در این عرصه نیز دکتربین بیشتر به صورت رسمی مورد توجه بوده و به مثابه التزام‌های سازمانی از بالا به پایین نشر می‌یابد. نقش بازیگران سطوح زیرین در شکل‌گیری دکتربین سیاسی بسیار اندک بوده و قدرت، مهمترین متغیر اثر گذار بر نشر و اجرای یک دکتربین در این عرصه است. دکتربین‌های هانس مورگنتا در ارتباط با مدیریت قدرت در روابط بین‌الملل، دکتربین مونرو در ارتباط با جنگ‌های استقلال‌طلبانه کشورهای امریکایی و دکتربین دفاع تهاجمی بوش در عرصه امنیت نمونه‌هایی از این دست دکتربین محسوب می‌شوند.

در سازمان‌های نظامی، دکتربین ماهیت دستوری داشته و می‌توان آن را مشابه دستورالعمل دانست. بنابراین دکتربین‌های نظامی صرفاً در شکل مصرح و رسمی شده قابل تصور بوده و در سطح نخبگان و فرماندهان توسعه می‌یابند. طبیعت دکتربین نظامی از بالا به

۱- عامل به نظم‌کشاننده.

۲- در صورتی که ایدئولوژی را انعکاس جهان‌بینی دینی در کالبدی رفتاری (فراهنجاری و رفتارساز) بدانیم نه در تعبیر آگاهی کاذب.



پایین بوده و به مثابه قواعد رفتار مجاز در مواجهه با رویدادها و مسائل، به بدنه و ذی‌نفعان سازمانی ابلاغ می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۸).

هدف از گردآوری و تألیف مجموعه حاضر گذر از فضای نظری و دانشگاهی صرف، تبیین مفهومی دکترین نظامی و ارایه‌ی مراحل عملی تدوین، تأیید، ارزیابی و بازنگری آن است. دکترین نظامی هم ماهیتی پویا داشته و همگام با تغییرات محیط، سازمان، افراد و تجهیزات مشمول تغییرات منطقی می‌شود. بنابراین همه‌ی افراد سازمان (نیروها) باید با دکترین سازمان آشنا بوده و آن را به خوبی درک کنند و فرماندهان باید قادر به بازنگری، اصلاح و تثبیت دکترین بوده و در صورت نیاز دکترین نظامی جدید پیشنهاد کنند. اگر چه تغییر در دکترین ضروری است، اما دکترین کلی (هسته اصلی یا محورهای اساسی دکترین) معمولاً ثابت مانده و فقط هنگامی تغییر می‌کند که عوامل عمده‌ای مانند سیاست حکومت، سامانه‌های جنگ افزار و تهدیدات دچار تغییر و تحول شوند.

در مقاله حاضر پس از کالبد شکافی مفهومی دکترین و ارایه تعاریفی چند از دکترین، به بحث دکترین نظامی، انواع و سطوح مختلف آن پرداخته شده و سپس ضمن معرفی اصول جنگ و مقایسه و تبیین رابطه آن با ماهیت و محتوای دکترین نظامی، مراحل تدوین دکترین نظامی در قالب یک مدل پنج مرحله‌ای معرفی شده است که به دلیل موجز بودن، می‌تواند مورد توجه علاقمندان مطالعات راهبردی نظامی قرار گیرد.

مفهوم دکترین، ماهیت و تعریف آن

دکترین که در فارسی به آیین، آموزه و اخیراً هم به رهنامه ترجمه شده، به مجموعه اندیشه‌ها، عقاید، اصول و قواعد بنیادین در هر شاخه‌ای از علوم، فنون و فعالیت‌های زندگی بشر اطلاق می‌شود که مبتنی بر انباشت دانش حاصل از تجربه، مطالعه و تحقیق، تحلیل و آزمایش در آن شاخه شکل می‌گیرد و در حقیقت بهترین رهنمون برای انجام هر کار در هر زمان آیین و دکترین خاص آن کار در آن زمان است. در مباحث نظامی، دکترین به مثابه چارچوب نظام‌مندی در نظر گرفته می‌شود که بدان واسطه فعالیت‌ها و اقدامات



نظامی آینده پیش‌بینی، طراحی و مورد تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند. یا به تعبیری تخصصی، دکترین نظامی باید چگونگی جنگیدن در صحنه‌های نبرد آتی را بیان کند.

دکترین در حقیقت نظریه‌ای است که رابطه‌ای منطقی میان تحقیق، نظریه‌پردازی، تاریخ، تجربه، آزمایش و عمل فراهم می‌آورد. دکترین باید در برگیرنده مجموعه دانش و تجربه‌ای باشد که بتوان آن را به کار گرفت. همه ما در تمام امور روزانه خود قواعد و رویه‌های مشخصی را به کار می‌بندیم که انجام کارها را راحت‌تر و نظام مندتر می‌کند. یک جامعه بدون قانون را در نظر بگیرید، این جامعه چیزی جز هرج و مرج^۱ ندارد. بنابر این اگر بخواهیم همه چیز در حد مطلوب و کمال باشد، به کارگیری روش‌های خاص برای انجام کارها لازم است. دکترین‌ها پویا بوده و ممکن است با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌ها، تغییرات حاصله در محیط و به ویژه تغییر در فناوری، جهت‌گیری‌های سیاسی و ... دچار تغییر و تحول شوند. در عین حال دکترین باید در برگیرنده فلسفه تفکری خلاق برای رویارویی با شرایط پیش‌بینی نشده و غیرمنتظره باشد و نباید محدودیت و ممنوعیت آن به حدی باشد که اعتبار آن خدشه‌دار شود. دکترین‌های صحنه جنگ آینده باید بر مبنای انطباق‌پذیری و سازگاری مدون شوند تا امکان اثربخشی آنها در صحنه‌های واقعی جنگ فراهم آید.

نقش دکترین در حیات یک سازمان متأثر از افراد حرفه‌ای است که به دنبال مستند سازی فعالیت‌های روزمره سازمان هستند تا بهترین راه انجام امور تدوین شود و همواره بهبود یابد. اغلب دکترین‌ها که به صورت مکتوب تدوین می‌شوند و در اختیار سازمان قرار می‌گیرند، برای ایجاد درک مشترک نسبت به وضعیت‌های پیش‌بینی نشده است. اگرچه بسیاری بر این باورند که دکترین فقط آن چه در کتاب‌ها آمده است نیست، بلکه دکترین امری است که کارکنان به آن اعتقاد یافته و براساس آن عمل می‌کنند. بدین ترتیب دکترین را می‌توان از نوع اندیشه و تفکر حاکم بر عمل و رفتارها قلمداد کرد.

1. Anarchy



اما دکتربین بیش از آن که صرفاً به عنوان یک واژه، دارای معنی لغوی ساده و محدود باشد، دارای مفهومی عمیق و کاربردی گسترده است که می‌بایست تمامی ابعاد و جوانب آن مورد توجه قرار داده شوند.

دکتربین را تفکر عملیاتی نیز گفته‌اند و به مجموعه‌اندیشه‌ها، عقاید و اصول و قواعد بنیادین در هر شاخه‌ای از علوم، فنون و فعالیت‌های زندگی بشر اطلاق می‌شود که مبتنی بر انباشت دانش حاصل از تجربه، مطالعه و تحقیق، تحلیل و آزمایش در آن شاخه شکل می‌گیرد. در واقع تجربه جوهره دکتربین است. دکتربین پویا است و در زمان و موقعیت‌های مختلف دستخوش تغییر و تحول می‌شود و در حقیقت، بهترین رهنمون برای انجام هر کار در هر زمان آیین و دکتربین خاص آن کار در آن زمان است. دکتربین عمدتاً بر پایه تحلیل و تفسیر دقیق تجربیات گذشته استوار گردیده و در حوزه‌هایی که تجارب واقعی و عملی وجود ندارد، دکتربین از راه استنتاج از تجارب دیگران، مبتنی بر قضاوت معقول، منطقی، شمس و شهود و گاه ادراک درونی، توسعه یافته و تدوین می‌شود.

جان ام کالینز در کتاب استراتژی بزرگ، دکتربین را این گونه تعریف کرده است «قواعد بنیادی که هدایت کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست‌های ملی می‌باشند، هر چند که این قواعد معتبر هستند، اما نحوه استفاده از آنها به قضاوت صحیح نیازمند است.» (کالینز، ۱۳۷۰) تعریف اساسی دکتربین در انگلیسی میانه^۱ از کلمه لاتین «دکتربینا»^۲ به معنی تعلیم، یادگیری، آموزش و از واژه «دکترا»^۳ نشأت می‌گیرد. در کاربرد عمومی، دکتربین به معنی «چیزی که تعلیم داده می‌شود، تعلیم» و اغلب به معنی «چیزی که به عنوان اصول یا یک سلسله معتقدات، نظریه یا اصول قانونی یا بیان خط مشی ملی» بسط یافته گفته می‌شود. تعریفی که ناتو از اصطلاح دکتربین ارائه می‌دهد و توسط چندین کشور عضو نیز اقتباس شده است این طور بیان می‌کند:^۴ «اصول اساسی که نیروهای نظامی با استفاده از آنها

۱- انگلیسی میانه (Middle English) زبان انگلیسی بین سال‌های حدود ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی است.

2. Doctrina
3. Doctor

۴- برای مطالب این بخش و بخش بعدی از منابع اینترنتی زیر استفاده شده است:

Ratter, Dan and Curtis Meek, "Determinates of military strategy". 1993-1994 quantitative Empirical test, Black well presses 1999. <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?>



اعمال خود را در جهت اهداف خود هدایت می‌کنند را دکترین نظامی گویند. این دکترین نافذ است اما در عمل نیاز به تفسیر دارد.^۱

دکترین نظامی چگونگی شرکت نیروهای نظامی در لشکرکشی‌ها، عملیات‌های عمده، نبردها و درگیری‌ها را به طور مختصر بیان می‌کند. در واقع دکترین راهنمای اعمال نظامی است و شامل قواعد سریع و تغییرناپذیر نمی‌شود. دکترین، یک چارچوب مرجع عمومی برای کل نیروی نظامی است که به استاندارد شدن عملیات‌ها و تسهیل آمادگی نیروها کمک می‌کند. دکترین، تئوری، تاریخ، تجربه و تمرین را به هم پیوند می‌دهد. هدف آن گسترش ابتکار و تفکر خلاقانه است. دکترین در امور نظامی در حکم چارچوبی مقتدر شامل عباراتی است که روش هدایت نیروهای نظامی را مشخص می‌سازد و ادبیات خاصی برای طراحان و رهبران نظامی به دست می‌دهد (ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد).

ارتش کانادا دکترین را به این شکل تعریف می‌کند: «دکترین نظامی اصطلاحی رسمی برای اشاره به مجموعه‌ای از نظرات و دانش نظامی است که ارتش در زمان مناسب آن را می‌پذیرد. در این دکترین ماهیت نبرد، شیوه آمادگی ارتش برای نبرد و شیوه‌ی درگیری در نبرد به منظور دستیابی به پیروزی مشخص می‌شود. این دکترین بیش از آن که دستوری باشد، توصیفی است و در زمان اجرا نیاز به تفسیر دارد. دکترین نظامی نه مرام خاصی را بنا می‌نهد و نه چک‌لستی برای دستورالعمل‌های نظامی ارائه می‌دهد بلکه به جای آن می‌کوشد راهنمای نافذ و معتبری در مورد شیوه تفکر ارتش درباره جنگ و نه در مورد شیوه درگیری باشد. از این رو صاحب‌نظران می‌کوشند که دکترین نظامی را به منظور هدایت فعالیت‌های نظامی تا جای ممکن صریح و روشن طراحی کنند و در عین حال آن را فراگیر سازند تا در شرایط گوناگون پاسخگو باشد.» (CDOND, 1998)^۲

در بررسی ستادی که در دانشگاه هوایی نیروی هوایی ایالات متحده در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۶) انجام شده، دکترین نظامی به این شکل تعریف گردیده است: «آن دسته از مفاهیم، اصول، سیاست‌ها، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها، تمرین‌ها و فرآیندهایی را که لازمه پیشرفت امور

1. (AAP 6(V) NATO Glossary of Terms and Definitions)

2. Canada Department of National Defense



سازماندهی، تمرین، مجهزسازی و به کارگیری یگان‌های تاکتیکی و خدماتی است. دکترین نظامی گویند. (U.S.'AFU, 1989).

گری شفیلد از دپارتمان مطالعات دفاعی کالج کینگ لندن و دانشکده فرماندهی و ستاد انگلستان تعریف جی اف سی فولر از دکترین نظامی را به عنوان «هدف اصلی یک ارتش» توصیف می‌کند (شفیلد^۱، ۲۰۰۵: ۱۶۵).

در واژه‌نامه اصطلاحات ساده نظامی حکومت شوروی سابق، در برابر مدخل دکترین نظامی این تعریف آورده شده است: «سیستم نظریات علمی مورد قبول رسمی یک کشور در مورد ماهیت جنگ‌های مدرن و کاربرد نیروهای نظامی در آن‌ها دکترین نظامی دو جنبه دارد: جنبه سیاسی-اجتماعی و جنبه فنی-نظامی.» (وونیزدات، مجله، ۱۹۸۸/۱۹۸۹).

جنبه‌ی سیاسی-اجتماعی «شامل تمام پرسش‌هایی که در مورد روش‌شناسی، اقتصاد، پایه‌های اجتماعی و اهداف سیاسی جنگ مطرح می‌شوند» است و جنبه فنی-نظامی باید با اهداف سیاسی سازگار باشد. این جنبه شامل «خلق ساختار نظامی، تجهیز فنی نیروهای مسلح، تمرین‌های آن‌ها و مشخصات شیوه‌ها و ابزارهای هدایت عملیات‌ها و جنگ به طور کلی» است (بلیو، ۱۹۸۸)^۲.

وزارت جنگ ایالات متحده در فاصله بین جنگ‌های ناپلئونی و جنگ جهانی اول، دکترین نظامی را تحت عنوان آیین‌نامه‌های خدمات رزمی تعریف می‌کرد. همچنین بسیاری از افسران کتاب‌های راهنمای نظامی می‌نوشتند که توسط ناشران خصوصی همچون «هاردیز تاکتیکس» چاپ می‌شدند و مورد استفاده نیروی دولتی و نیروهای جنوب قرار می‌گرفت. ژنرال جرج بی مک‌کیلان در سال ۱۸۶۲ (۱۲۴۰) یک کتابچه راهنما، آیین‌نامه و دستورالعمل برای خدمات رزمی سواره‌نظام نوشت^۳. ستاد کل فرماندهی مسوول تنظیم آیین‌نامه‌های خدمات رزمی شد. این آیین‌نامه‌ها در سال ۱۹۰۸ چاپ شدند. سپس در سال

-
1. Air Force University
 2. Sheffield
 3. Beleyev
 4. Hardees's Tactics



۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ بنابر تجربیات قدرت‌های اروپایی در ماه‌های اولیه‌ی جنگ مورد بازبینی قرار گرفتند.

دکترین نظامی ارتش آمریکا تا سال ۱۹۴۱ تحت عنوان آیین‌نامه‌های عملیات خدمات رزمی چاپ می‌شد. سپس این عنوان جای خود را به دستورالعمل خدمات رزمی ۵-۱۰۰ ایالات متحده داد.

با وجود این که هیچ‌گونه اجماع نظر رسمی و پذیرفته شده بین‌المللی درباره مفهوم دکترین وجود ندارد ولی با توجه به مفاهیم مطرح شده، این طور می‌توان نتیجه گرفت که دکترین در اصل از جنس اندیشه و ماهیت آن در حقیقت ذهنی و نشأت گرفته از آموخته‌ها، تجارب، اندوخته‌های آموزشی و قالب‌های ذهنی، تفکرات و تلقی‌ها، باورها و برداشت‌ها، جهان‌بینی و شناختی است که از محیط حاصل می‌شود. دکترین در واقع حاصل یک فرایند پویای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری تفکرات، قدرت اندیشه و تعاملات ذهنی افراد با عوامل مؤثر محیطی است.

اکنون واژه دکترین بیشتر به عنوان یک اصطلاح نظامی، با مفهومی عمیق و کاربردی وسیع در قلمرو ادبیات نظامی مطرح می‌باشد.

ارتباط بین دکترین و راهبرد

دکترین، راهبرد نیست. استراتژی یا راهبرد مجموعه‌ای از اهداف، ابزار و روش‌ها و در واقع طرحی برای اقدام و عمل است، در حالی که دکترین یا رهنامه تئوری یا نظریه و از جنس اندیشه و قواعد حاکم بر استراتژی و عمل است.

وزارت دفاع آمریکا راهبرد را به طور رسمی به این شکل تعریف می‌کند: «راهبرد، نظریه یا مجموعه‌ای از نظریات سنجیده در مورد کاربرد ابزارهای قدرت ملی است که به شکلی هماهنگ و همگرا برای تحقق اهداف ملی و چندملیتی مورد استفاده قرار گیرند.» (USSCS, 2016).



راهبرد نظامی، منطقی بنیادی برای عملیات‌های نظامی ارائه می‌دهد. سپهد و اسکونت آلنبروک فرمانده ستاد کل ارتش سلطنتی و رئیس کمیته مشترک ستاد ارتش انگلیسی-آمریکایی در پیشینه زمان جنگ جهانی دوم، هنر راهبرد نظامی را به این شکل توصیف کرده است: «استنتاج رشته‌ای از اهداف نظامی از اهداف سیاسی، ارزیابی اهداف مذکور بنابر نیازهای نظامی که ایجاب می‌کنند و همچنین ارزیابی پیش شرط‌هایی که دستیابی به هر کدام از آن اهداف مستلزم آن‌ها است، برآورد منابع بالقوه و بالفعل در مقابل نیازها و در نهایت طراحی الگوی منسجمی از اولویت‌ها و راهکارهای منطقی طبق این فرآیند.» (BDD, E 3, 2008)¹ در حالی که دکترین می‌کوشد تا چارچوبی مفهومی برای یک

نیروی نظامی (دست کم در موارد زیر) ارائه دهد:

نیرو چگونه خود را تعریف می‌کند («ما که هستیم؟»)

مأموریت آن چیست. («ما چه کار می‌کنیم؟»)

مأموریت چگونه باید اجرا شود. («کارمان را چگونه انجام می‌دهیم؟»)

در طول تاریخ مأموریت چگونه اجرا شده است (قبلاً چگونه آن را انجام می‌دادیم؟)

و پرسش‌های دیگر.

دکترین به همین نحو، نه جزو عملیات به شمار می‌رود و نه جزو تاکتیک است، بلکه در واقع چارچوبی مفهومی است که تمام سه سطح جنگ (راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی) را هماهنگ می‌کند.

دکترین، آرا و نظرات افسران نظامی حرفه‌ای را و تا حدی کمتر ولی با اهمیت زیاده‌تر نظرات رهبران غیرنظامی را منعکس می‌کند و مشخص می‌سازد که از نظر ایشان کدام اهداف را می‌توان و یا باید از طریق نظامی به دست آورد و کدام یک را از روش‌های غیرنظامی تحصیل نمود. در دکترین نظامی عوامل اصلی که باید مد نظر قرار داد عبارتند از:

فناوری نظامی

جغرافیای ملی

قابلیت‌های دشمنان

1. British Defense Doctrine, Edition



قابلیت‌های سازمان‌های خودی. (پوزن^۱، ۱۹۸۴: ۱۳)

سطوح دکترین، انواع و فرایند شکل‌گیری آن

دکترین در فرهنگ دفاعی - امنیتی این گونه تعریف و تقسیم بندی شده است: «دکترین نظریه، اصول یا قواعد بنیادین معتبری است که هدایت کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به کار بردن آن‌ها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد. دکترین به دو سطح عمده ملی و نظامی تفکیک می‌شود که سطح نظامی (آن) به سطوح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم می‌گردد. کاربرد آن در سطح ملی، هدایت قدرت ملی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی است. در سه سطح (نظامی)، دکترین در سطح استراتژی هدایت سپاه و ارتش، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (را شامل می‌شود) و کاربرد آن، در سطح عملیاتی هدایت نیروهای زمینی، هوایی و دریایی در صحنه عملیات و در سطح تاکتیکی هدایت یگان‌ها در میدان رزم می‌باشد، ...» (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۵۱).

از طرفی هم با توجه به مباحث قبلی و تعریف و مفهوم دکترین که نشان می‌دهد دکترین از جنس اندیشه است، ماهیت ذهنی داشته، اصول، قواعد و نظریه‌ها و عقایدی را بیان می‌کند که هدایت کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست‌ها است، می‌توان گفت دکترین ابتدا به صورت نظریه از جانب افراد مطرح و بیان می‌شود، سپس چنانچه در سازمانی پذیرفته شد و به مرحله اجرا در آمد دکترین آن سازمان محسوب شود. به همین خاطر نیز به طور کلی می‌توان آن را ابتدا از نظر سطح بندی به دو سطح فردی و سازمانی قابل تمایز دانست و سپس انواع هرکدام را بر حسب موضوعی که دکترین در باره آن اعلان می‌شود تعیین نمود. هرچند به نظر می‌رسد دکترین فردی با توجه به مفهوم و ماهیت آن که بعداً شرح داده می‌شود چندان قابل تقسیم بندی نمی‌باشد.

1. Posen



الف- دکترین فردی (دکترین شخصی)

دکترین فردی در واقع اصول، قواعد و چارچوب‌های ذهنی حاکم بر اظهارنظرها، سیاستگذاری‌ها، تصمیم‌گیری و شیوه عمل، رفتار و حل مسأله توسط صاحب‌نظران، متخصصین، نظریه‌پردازان، مدیران، رهبران، سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان در هر سازمان یا در هر جامعه است که اساساً از باورها، عقاید، تجارب، تحصیلات، آموزش، تخصص و قالب‌های ذهنی و فرهنگ سازمانی و خاستگاه‌های اجتماعی آنها نشأت گرفته و به ویژه بر تلقی و برداشت آنها از عوامل و متغیرهای محیط پیرامونی و بر جهان بینی و قالب‌های ذهنی آنان مبتنی و متکی می‌باشد.

به طور کلی برای روشن‌تر شدن ماهیت و مفهوم دکترین فردی، می‌توان گفت هر کسی در باره هر موضوعی و برای اجرای هر عمل و فعالیتی، مبتنی بر اندوخته‌های علمی، یافته‌های تجربی و تلقی و برداشت‌هایی که از محیط اطراف خود دارد، دارای دکترین خاص خود می‌باشد که تعیین‌کننده طرز تفکر و چگونگی رفتار او در انجام کارها است. حتی اگر آن شخص با مفهوم و تعریف دکترین هم آشنایی نداشته باشد و این برداشت‌ها و مبانی فکری، قالب‌های ذهنی و اندیشه‌های بنیادی خود را به صورت تئوری و نظریه، در جایگاه یک نظریه‌پرداز در طول عمر خود بیان نکرده یا به رشته تحریر در نیاورده باشد.

توجه به مثال‌های زیر مفهوم دکترین فردی را روشن‌تر می‌کند.

دکترین راهبرد دو ستونی آمریکا^۱ در خلیج فارس پس از خروج انگلیس، که براساس نظرات نیکسون و سپس کیسینجر تدوین و اجرا شد (دهه ۱۹۷۰) و یا قبل از آن دکترین آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا درباره اتخاذ سیاست جدید در خاورمیانه که در سال ۱۹۵۷ در مجلس آمریکا مطرح شد و سپس به عنوان یک خط مشی و سیاست کلی، زمینه مداخله آمریکا در کشورهای مختلف جهان را با بهانه جلوگیری از نفوذ کمونیست فراهم آورد، دکترین‌های فردی بودند که مورد قبول کشورشان واقع شده و سپس تبدیل به دکترین ملی شده و به صورت سیاست و استراتژی آمریکا به مرحله اجرا گذارده شدند.

1. Two-columns strategy Doctrine



همچنین دکترین برژنف در شوروی سابق که موجب ورود نیروهای پیمان ورشو به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ شد، در واقع نظرات لئونید برژنف بود که قریب ۲۰ سال حکومت‌های کمونیستی را در اروپای شرقی تثبیت کرد. قبل از آن نیز دکترین ترومن، آیینی منسوب به هاری ترومن سی و سومین رئیس جمهور آمریکا (۱۹۵۳-۱۹۴۵) بود که در سال ۱۹۴۷ در کنگره آمریکا بیان شد و آمریکا موظف گردید به آن دسته از کشورهایی که در مقابل کمونیزم مقاومت می‌کنند کمک‌های اقتصادی، فنی و نظامی برساند.

و دکترین توبار که در سال ۱۹۰۷ به وسیله دکتر کارلوس توبار وزیر امور خارجه وقت کشور اکوادور برای به رسمیت نشناختن حکومت‌هایی که از طریق کودتای نظامی، قیام و شورش، تشکیل شده‌اند و دکترین جنگ تمام عیار استالین^۱ که در سال ۱۹۴۲ بیان شد و عملکرد جنگی شوروی سابق در خلال مبارزه با آلمان بر مبنای آن استوار گردید و معتقد بود چهار عامل استحکام پشت جبهه، روحیه نیروهای مسلح، کمیت و کیفیت واحدهای تشکیل‌دهنده ارتش، ظرفیت مدیریت و سازماندهی فرماندهان متضمن پیروزی در جنگ می‌باشند و یا دکترین تلافی‌بزرگ^۲ که براساس نظرات جان فاستر دالس در ژانویه ۱۹۵۴ مطرح شده همه مؤید این نظریه می‌باشند که دکترین در دو سطح فردی و سازمانی (چه در سازمان‌ها و یا در سطح ملی) وجود دارد و به طور خلاصه می‌توان گفت دکترین فردی نشأت گرفته از افکار و اندیشه‌های اشخاص در اظهارات، تصمیمات و رفتارهای آنها تجلی یافته و بروز می‌کند ولی دکترین‌های سازمانی در سازمان‌ها یا دکترین ملی در کشورها، اغلب مبتنی بر دکترین فردی پذیرفته شده و اجماع یافته رهبران، اندیشمندان، صاحب‌نظران و مدیران و تصمیم‌گیران مؤثر در کشور یا سازمان، به صورت اصول و قواعد کلی و بنیادی جاری شده و بر سیاستگذاری‌ها، استراتژی‌ها، برنامه ریزی‌ها، تصمیمات و فعالیت‌ها و رفتارهای جمعی حاکم می‌شوند.

1. Stalin total War's Doctrine
2. Massive Retaliation Doctrine



در کشور ما هم فرامین، تدابیر و رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) قبل و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی برای هدایت مسوولین در امر تصمیم گیری، سیاستگذاری و اجرای امور و ایجاد حرکت های مردمی در پیروزی و تداوم انقلاب و پشتیبانی از جبهه و جنگ تا کسب پیروزی، از جمله نظریه «نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی» یا تئوری «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد»، «شعار مرگ بر امریکا و اسرائیل» و تعیین روز قدس و راهپیمایی مردمی در آن روز برای پشتیبانی از مبارزه مردم آواره فلسطین و آزادی قدس شریف هر یک دکترین سیاسی ج. ا. ایران بودند که ابتدا توسط حضرت امام (ره) به صورت یک نظریه (دکترین فردی رهبر) مطرح شدند و سپس سیاست های کلی نظام را شکل داده و دوام بخشیدند.

همچنین تدبیر ایشان در باره این که «این جنگ اگر بیست سال هم طول بکشد ما ایستاده ایم» و یا طرح این نظریه که «کشوری که بیست میلیون جوان دارد بیست میلیون رزمنده دارد» هر کدام ابتدا یک دکترین فردی بود که به دکترین ملی دفاعی در طول جنگ تحمیلی تبدیل شد و بدون صورت قانونی و حتی اغلب تدوین نشده از طرف همه سیاستمداران در امر سیاستگذاری و همه فرماندهان نظامی و حتی اکثریت قریب به اتفاق آحاد جامعه در عمل و اقدام دقیقاً پیروی می شدند. اتکای ن. م. کشور به پشتیبانی های بی دریغ ملت قهرمان و همیشه در صحنه و شرکت چندین میلیونی نیروهای بسیج مردمی در طول هشت سال جنگ تحمیلی و تشکیل ارتش بیست میلیونی در کشور از جمله دکترین های سازمانی نیروهای مسلح در تأمین نیازمندی های آمادی و نیروی انسانی در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی به شمار می روند که مبتنی بر نظریه های رهبر کبیر انقلاب شکل گرفته و کماکان نیز ادامه دارند.

دهها تدابیر و رهنمودهای دیگر هم از رهبر کبیر انقلاب قابل ذکر هستند که هر کدام در حقیقت دکترین فردی ایشان بوده اند و اساس و مبنای دکترین ملی و حتی دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اند. هرچند ذکر این نکته نیز در اینجا لازم است که اگرچه در جمهوری اسلامی همواره براساس این دکترین ها عمل شده ولی متأسفانه این نظریه ها (دکترین ها) به صورت رسمی و علمی مدون و مکتوب نشده و بخش های



دانشگاهی و حتی نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه تدوین این نظریه‌ها به صورت دکترین (در مقایسه با سایر کشورها) چندان فعال نبوده‌اند. همان طور که گفته شد و از مباحث بالا نیز می‌توان نتیجه گرفت با توجه به نوع و ماهیت دکترین فردی، برای این نوع دکترین سطوح یا انواع مختلفی هم نمی‌توان تصور کرد.

ب- دکترین سازمانی

براساس تعریف دکترین، دکترین سازمانی عبارت است از مجموعه‌ای از نظریات و اندیشه‌های پذیرفته شده در یک سازمان که به صورت اصول و قواعد بنیادی تدوین شده (اغلب به طور شفاهی و روش جاری نانوشته) و با توافق و اجماع نظر (ضمنی) اکثر مدیران، سیاستگذاران، تصمیم‌گیرندگان و اعضای سازمان، سیاستگذاری و اداره و اجرای امور سازمان را تحت تأثیر قرار داده و اقدامات مبتنی بر آنها انجام می‌گیرند.

بدیهی است چنانچه دکترین در سطح سازمان‌ها مثل نیروهای مسلح یا بخش‌های تخصصی آن مثل نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی یا نیروی انتظامی یا هر سازمان دیگری وضع و تدوین شود، دکترین همان سازمان و با عنوان خاص همان سازمان شناخته می‌شود. برای مثال دکترین عملیات زمینی یا دریایی یا دکترین انتظامی که مختص نیروهای زمینی، دریایی و انتظامی می‌باشند. چنانچه دکترین در باره مسایل و امور ملی که مربوط به اداره امور کشور، کل جامعه و اموری که به تمامی مردم و منافع ملی مربوط می‌شود، طراحی و تدوین شود، دکترین ملی قلمداد می‌شود که از نظر نوع، ماهیت و فرایند شکل‌گیری در حقیقت همان دکترین سازمانی و شبیه به آن است ولی از نظر سطح، مفاد و محتوا با آن متفاوت است. به عبارتی دکترین ملی هم یک دکترین سازمانی است منتهی در سطح ملی.

در مورد فرایند شکل‌گیری دکترین با توجه به موارد فوق می‌توان گفت که دکترین ابتدا ممکن است به صورت یک نظریه و یا حتی در یک جمله از طرف فردی بیان شود، ولی چنانچه با توجه به جایگاه علمی، شأن و منزلت اجتماعی و مسوولیت شغلی فرد، این تئوری در جمع اندیشمندان، صاحب‌نظران یا مدیران و مسوولین سازمان یا در سطح ملی



مقبول افتاد و پذیرفته شد، به صورت دکترین سازمانی یا ملی در می‌آید. بنابراین فرآیند تدوین دکترین در هر موضوعی، ابتدا یک فرایند ذهنی است که بر توانمندی‌های فردی، قالب‌های ذهنی، تحصیلات، آموزش و دانش، تجربه و تخصص، شخصیت، ویژگی‌های فردی، خاستگاه اجتماعی و جایگاه شغلی افراد استوار است ولی پس از بیان آن و پذیرفته شدن از سوی سازمان یا در سطح ملی، به دکترین سازمانی یا ملی تغییر یافته و فرایند سیاستگذاری، تدوین استراتژی، تصمیم‌گیری، اجرا و هدایت عملیات بر مبنای آن صورت می‌گیرد. این فرآیند کلی در مورد انواع یا سطوح مختلف دکترین (دکترین امنیت ملی، دکترین دفاعی، دکترین نظامی و دکترین‌های عملیاتی، تاکتیکی و ...) صادق و حاکم است.

دکترین‌های فردی توسط افراد بیان می‌شوند ولی دکترین سازمانی و ملی در مورد هر موضوعی علاوه بر این که ممکن است مبتنی بر نظریه و دکترین فردی اشخاص، در یک سازمان یا در سطح ملی تدوین شوند، ولی می‌توان آن را از ابتدا هم با مطالعات علمی پژوهشی، به صورت کار گروهی و جمعی در سازمان یا در سطح ملی تدوین کرد، به تصویب رساند و به مرحله اجرا درآورد. دکترین‌های سازمانی یا ملی را می‌توان به صورت مشروح تدوین و تصویب نمود و به مرحله اجراء در آورد که در این صورت بیشتر عناوین سیاست، آیین‌نامه و دستور العمل یا استراتژی برای آن مناسب‌تر خواهد بود.

بنابراین دکترین‌ها معمولاً ابتدا در سازمان‌ها به صورت روش جاری شفاهی و فرهنگ سازمانی پذیرش عام یافته و بر سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و اجرای امور تأثیر می‌گذارند، سپس ممکن است به صورت مجموعه اصول و قواعد بنیادی مکتوب و مصوب شوند.

دکترین‌های سازمانی و ملی را با توجه به سطحی از سازمان یا موضوعی که دکترین درباره آن وضع و تدوین می‌شود می‌توان به سطوح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم‌بندی کرد که با توجه به گستردگی دامنه مباحث به ویژه در سطح ملی هر یک از این سطوح طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. تقسیم‌بندی دکترین به دکترین نظامی، دکترین سیاسی، دکترین پدافندی یا آفندی، دکترین بازدارندگی و ... در این دسته بندی جای می‌گیرند.



پ- دکترین ملی

برخلاف تعاریف متداول از دکترین ملی که تداعی کننده وجود یک دکترین ملی در کشورها است چندان منطقی به نظر نمی‌رسد که تصور کنیم در سطح ملی تنها یک دکترین واحد منطبق با تعاریف ارایه شده، صرفاً تحت عنوان دکترین ملی وجود داشته باشد که بیان کننده اصول و قواعد کلی برای هدایت تمامی امور یک کشور بزرگ در تمامی ابعاد وسیع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، نظامی و ... باشد و آن طور که تعریف شده انتظار داشت تا این دکترین هدایت کننده قدرت ملی و پشتیبانی کننده سیاست‌ها و برنامه‌ها در تمامی ابعاد برای تحقق تمامی اهداف باشد. لیکن با توجه به مفهوم و ماهیت دکترین، منطقی است که در مورد مسایل و موضوعات کلی اداره امور کشور، دکترینی خاص آن موضوع وجود داشته باشد. همان طور که در تمامی کشورها، دکترین امنیت ملی، دکترین سیاست خارجی یا دکترین دفاعی یا نظامی و ... در سطح ملی وجود دارند.

بنابراین دکترین‌های ملی دکترین‌های سازمانی در مورد موضوعات ملی هستند که اصول و قواعد کلی سیاست‌گذاری، برنامه ریزی و اجرای کار در آن موضوع خاص ملی را که مربوط به اکثریت احاد ملت و مسایل عمومی کشور می‌شود تبیین می‌کنند. این دکترین‌ها، دکترین‌های اصولی هم گفته شده‌اند و مسلماً راهبردی هستند.

یکی از دکترین‌های ملی و به عقیده نگارنده مهم‌ترین و کلان‌ترین آنها، دکترین امنیتی^۱ یا دکترین امنیت ملی^۲ است که در سطح ملی، اصول پایه، مبانی اصلی و قواعد کلی برقراری و حفظ و استمرار امنیت ملی را در تمامی ابعاد و در شرایط مختلف در هنگام جنگ و صلح در کشور بیان می‌کند و چگونگی استفاده از نیروی انتظامی و سایر نیروهای نظامی را در برقراری و حفظ امنیت داخلی و خارجی نشان می‌دهد. این دکترین حتی نحوه حمایت و پشتیبانی سایر مؤلفه‌های قدرت ملی را از نیروهای مسلح کشور، به گونه‌ای هماهنگ و هم‌افزا جهت برقراری، حفظ و استمرار امنیت ملی و دفاع همه جانبه از کشور

1. Security doctrine

2. National Security doctrine



در برابر انواع تهدیدات دشمنان داخلی و خارجی، به دست می‌دهد و الزاماً می‌بایست مبانی تشخیص، تعیین و برآورد تهدیدات را نیز بیان کند. به عبارتی دیگر این دکترین زیربناهای فکری، اندیشه‌های بنیادی و مجموعه دیدگاه‌های دولتمردان و سیاستمداران را درباره تشخیص و تعیین تهدیدات و اصول، مبانی و چگونگی دفاع از منافع حیاتی کشور نشان می‌دهد.

در فرهنگ دفاعی-امنیتی آمده است که دکترین امنیتی به صورت ذهنی بوده، معمولاً جنبه قانونی (قانون گذاری) ندارد و هدایت کننده سیاستگذاران می‌باشد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۵۵).

ت- دکترین نظامی

تعریفی که از دکترین در واژه‌نامه‌های نظامی آمده عبارت است از: «اصول بنیادینی که بدان واسطه نیروها یا عناصر نظامی اقدامات خود را در راستای تامین اهداف ملی هدایت می‌کنند». دکترین الزام آور است و در مقام عمل نیاز به قوه تشخیص دارد. نیروهای نظامی هم مانند سایر سازمان‌ها، مجموعه قوانین و روش‌های جاری مخصوص به خود را لازم دارند که راهنمای انجام وظایف تمام قسمت‌ها و افراد آن باشند. این مجموعه قوانین و روش‌ها «دکترین نظامی» را تبیین می‌کنند.

دکترین نظامی کارآمد و مؤثر، چگونه جنگیدن را بر مبنای تجارب گذشته، مبتنی بر شرایط حال با بهترین و محتمل‌ترین پیش‌بینی در مورد آنچه فراروی نیروها می‌باشد بیان می‌کند. همچنین دکترین باید زبان مشترکی را فراهم سازد و آنچه را که نیروهای نظامی باید انجام دهند به صورت موجز و شفاف بیان نماید.

به عبارت دیگر دکترین نظامی بر مبنای تجارب نظامی و جنگی گذشته و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و شرایط حال و آینده شکل می‌گیرد و بدین ترتیب می‌تواند در نظام باورهای نیروها راه یافته و مبنای عمل آنها در صحنه‌های آتی جنگ قرار گیرد.



در فرهنگ واژگان نظامی ارتش آمریکا دکترین نظامی^۱ اصول بنیادی است که بر مبنای آن نیروهای نظامی یا عناصر وابسته به آن اقدامات خود را در جهت پشتیبانی از هدف‌های ملی (منافع ملی) هدایت می‌کنند. اعمال دکترین تعیین شده الزامی است ولی نحوه اجرای آن بستگی به نظر و قضاوت مسوولین امر و شرایط محیط دارد (فرهنگ واژگان نظامی ارتش آمریکا).

«ناتو» عیناً تعریف ارتش آمریکا را به کار می‌برد، ولی واژه‌های «عناصر وابسته به آن» و «ملی» را حذف نموده است. در فرهنگ واژگان نظامی ارتش آمریکا افزون بر تعریف فوق، تعاریف زیر نیز برای دکترین آورده شده است: اصول، خط مشی‌ها و افکار و عقاید قابل اجرا برای اقدامات نظامی که از تجربه یا تئوری سرچشمه گرفته و پس از اجرا به عنوان یک راهنما شناخته می‌شود. دکترین بهترین افکار و اندیشه موجود را ارائه می‌دهد که می‌توان با دلیل از آن دفاع نمود. مجموعه‌ای از معتقدات و افکار مربوط به استراتژی و تاکتیک و علم نظامی که برای هر نیروی مسلح به عنوان راهبرد اصلی شناخته شده است. دکترین نظامی را سان‌تزو ژنرال چینی عهد باستان در کتاب هنر جنگ این گونه تعریف کرده است: «درک من از کلمه دکترین عبارت است از سازمان، قدرت و صلابت نظامی، ترفیع افسران تا حد استحقاق، امنیت راه‌های تدارکاتی و تأمین آذوقه و مراقبت در تأمین احتیاجات ضروری ارتش، آنهایی که بر این پنج اصل تسلط دارند پیروز می‌شوند و آنهایی که ندارند شکست می‌خورند.» بدین ترتیب سان تزو دکترین نظامی را اصولی دانسته است که رعایت آنها در سازماندهی ارتش، تشکیل توان رزمی، آماد و پشتیبانی، روحیه کارکنان به ویژه مدیران، تأمین عقبه و امنیت داخلی کشور الزامی است. در تعریفی دیگر، دکترین نظامی «مجموعه نظریات و تئوری‌هایی است که محیطی را که باید نیروهای مسلح در آن عمل کنند توصیف می‌کند و روش‌ها و شرایط به کارگیری آن نیروها را تعیین می‌کند (هورتون و دیگران^۲، ۱۹۹۷: ۱۹۰). با توجه به این تعریف که متفاوت از

1. Military doctrine
2. Horton and others



تعاریف سنتی دکترین نظامی است کارکردهای اصلی دکترین نظامی را می‌توان موارد ذیل دانست:

- تصویری از جنگ‌های آینده (استراتژی، ابزار، وسایل و روش‌های آماده کردن کشور و نیروهای مسلح آن برای این جنگ‌ها)
 - اندیشه به کارگیری نیروی نظامی برای دوری جستن از جنگ یا برپایی آن.
 - ایده استفاده از نیروی نظامی در حمایت از سیاست خارجی در زمان صلح.
 - تصویری از نقش نیروی نظامی در امور داخلی کشور.
- در فرهنگ امریکایی- انگلیسی بیشترین و اصلی‌ترین کاربردهای دکترین در چارچوب مسایل نظامی می‌باشد. در این چارچوب دکترین بیشتر بر پایه چگونه جنگیدن تعریف شده و به معانی لغوی چگونگی عمل، راهنما و روش نیز بسیار نزدیک است.^۱ دکترین در فرهنگ انگلوساکسونی در قسمت‌های تحتانی هرم نظامی و در چارچوب استراتژی‌های نظامی تعریف شده و در این قالب، دکترین به سه سطح استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم شده و هر یک از قوای مسلح دارای دکترین مخصوص به خود می‌باشند. دکترین استراتژیک به طرح کلان اداره جنگ باز می‌گردد و به عالی‌ترین رده‌های قوای مسلح مربوط می‌شود. دکترین عملیاتی بر چگونگی عمل، روش‌ها و راهنمایی‌های مربوط به نیروها در صحنه عملیات جنگی توجه دارد و به فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها مرتبط است و در نهایت دکترین تاکتیکی بر چگونگی عمل، روش‌ها و راهنمایی‌های مربوط به هدایت یگان‌ها در منطقه عملیات جنگی مربوط می‌شود.
- دکترین در فرهنگ شوروی سابق برخلاف فرهنگ انگلوساکسونی، صرفاً مربوط به مسایل نظامی نبوده و در بخش‌های تحتانی هرم نظامی تعریف نمی‌شود. در این فرهنگ جایگاه دکترین بالاتر از استراتژی بزرگ قرار دارد. به بیان دیگر استراتژی بزرگ،

۱- در خصوص جایگاه دکترین در فرهنگ‌های مختلف از کتاب نظریه‌های امنیت ملی تألیف علی عبدالله خانی که قبلاً معرفی شده بهره برداری شده است. ضمناً برای مطالعه بیشتر در این خصوص نگاه کنید به:

- Erica Benner, "is there a core national doctrine?" nations and nationalism. Vol. 7. No. 2 (2001). pp 155- 174.

- Dan Ratter and Curtis Meek, "Determinates of military strategy". 1993-1994 quantitative Empirical test, Black well presses 1999 .



سیاست‌های امنیت ملی و استراتژی نظامی اجزای دکترین محسوب می‌شوند. آنها دکترین را دیدگاهی رسمی در بیان ملاحظات امنیت ملی می‌دانند. دیدگاه‌هایی که با توجه به مبانی و ملاحظات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور مطرح گردیده است.

در دایره‌المعارف نظامی روس دکترین نظامی این چنین تعریف شده است: «دکترین نظامی از سیستم رسمی مورد قبول یک ملت که از عقاید علمی مربوط به ماهیت جنگ‌های امروزی و استفاده از نیروهای مسلح در آنها به وجود می‌آید نشأت گرفته و در مورد ضروریاتی صحبت می‌کند که از این نقطه نظرها برای آماده شدن کشور و نیروهای مسلح آن برای جنگ به وجود می‌آیند. دکترین نظامی دارای دو جنبه است: نخست جنبه سیاسی و دیگری جنبه فنی- نظامی. انگاره‌ها و معتقدات عمده دکترین نظامی توسط رهبری سیاسی و نظامی یک ملت و بر حسب نظام اجتماعی- سیاسی، سطح اقتصاد کشور، توسعه علمی، فناوری و تجهیزات جنگی نیروهای مسلح و با توجه به نتایج علوم نظامی و نقطه نظرهای احتمالی مشخص می‌شود.» مارشال «گرچکو» وزیر اسبق دفاع گفته بود که دکترین نظامی لااقل باید پاسخگوی سؤالات زیر باشد:

- در جنگ احتمالی باید با چه دشمنی روبرو شد؟
- خصوصیات جنگی که کشور و نیروهای مسلح آن باید درگیر آن شوند چیست و در این جنگ با چه اهدافی روبرو خواهند شد؟
- برای اجرای مأموریت‌های ارجاعی چه نوع نیروهای نظامی مورد نیاز است و توسعه نظامی باید در چه جهتی اجرا شود؟
- آمادگی برای جنگ چگونه باید به اجرا درآید؟
- برای اجرای عملیات جنگی از چه روش‌هایی باید استفاده شود؟ (ژیاک، ۱۳۷۸:

(۴۹)

وجود اختلاف در دو رویکرد غربی و شرقی (امریکا و روسیه) درخصوص دکترین نشان می‌دهد که برداشت یکسانی از این واژه وجود ندارد و سطوح کاربرد آن نیز در کشورهای مختلف متفاوت است.



دکترین نظامی باید استوار بر اصول به کارگیری منابع نظامی باشد که به منظور کاربرد مستمر امور در زمان جنگ و صلح طراحی شده‌اند. دکترین‌های نظامی بسیار پویا بوده و با توجه به نوع درگیری، تغییرات محیطی، جهت‌گیری‌های سیاسی، ساختارهای سازمانی، تجهیزات و تسلیحات نوین و دکترین دشمن در یک نبرد خاص دچار تغییر و تحول می‌شوند.

نظامیان با تجربه و مشهور در خصوص نقش دکترین نظامی در حیات نیروهای مسلح چنین عنوان می‌دارند: «دکترین در نهاد و اصل جنگ قرار دارد. دکترین بیانگر اصول و عقاید اصلی رزم برای دستیابی به پیروزی است. دکترین مصالح و مواد سازنده راهبرد می‌باشد و پایه و اساس تشخیص منطقی محسوب می‌گردد» (ژنرال کورتیس ای لی من از نیروی هوایی امریکا).

«دکترین در بالاترین سطح طرح‌ریزی باعث شکل‌گیری راهبرد نظامی می‌شود. بهترین راه انجام امور از دکترین به دست می‌آید و راهبرد نظامی براساس دستورالعمل‌های دکترینی است که مبتنی بر واقعیات موجود شکل می‌گیرد» (قدرت هوایی ۲۰۰۰، نیروی هوایی سلطنتی انگلستان).

«دکترین فلسفه، زبان، هدف و نیز وحدت رویه را برای یک سازمان نظامی به ارمغان می‌آورد» (ژنرال جورج اچ. دکر، نیروی هوایی امریکا).

«دکترین به هر عملی اطلاق می‌شود که به وحدت هدف کمک کند. چیزی است که جنگجویان به آن ایمان داشته و براساس آن فعالیت می‌کنند» (کاپیتان وین هیوز، نیروی دریایی امریکا).

«به کارگیری هوشمندانه تجربیات - وقتی با دوران‌دیشی همراه گردد - می‌تواند در یافتن بهترین راه حل برای چالش‌های جدید ارزشمند باشد. این جاست که دکترین می‌تواند نقش اساسی ایفا نماید. دکترین با فراگرفتن درس‌های مربوط به تجربیات گذشته، به ما امکان می‌دهد تا با چالش‌های امروز و فردا با اطمینان و اعتماد بیشتری مواجه شویم.» (فرمانده نیروی هوایی سلطنتی انگلستان، سر پیتر هاردینگ).



"دکترین باید بتواند چشم اندازی روشن از پیچیدگی‌های نبردهای مختلف را که به طور همزمان توسط نیروهای مسلح اجرا می‌شوند ترسیم کند (سرتیپ ایسید رو بی آگونود، عضو نیروهای مسلح فیلیپین).

دکترین نظامی اصول راهنما برای کاربرد نیروهای نظامی به منظور نیل به اهداف سیاسی است و در سطوح راهبردی عملیاتی و تاکتیکی برای عملیات مشترک، مرکب و تک نیرویی مطرح می‌باشد.

دکترین نظامی بیانگر مجموعه‌ای از اصول، قواعد، خط مشی‌های کلی و افکار نظامی مبتنی بر یک یا چند اصل مشخص و محدود می‌باشد. دکترین نظامی خود می‌تواند بخشی از یک فلسفه یا ایدئولوژی نظامی و یا حاصل یک یا چند نظریه نظامی باشد و یا در چارچوب یک یا چند نظریه یا تئوری ارائه گردد. از سوی دیگر، می‌توان دکترین نظامی را دستورالعملی کلی دانست، که در حدفاصل اندیشه و نظریه نظامی و استراتژی نظامی قرار می‌گیرد، یعنی از نظر سلسله مراتب، پس از ایجاد و تدوین نظریه یا نوعی خاص از اندیشه نظامی، نوبت به تدوین و ارائه دکترین نظامی می‌رسد. بعد از آن با توجه به دکترین، استراتژی نظامی مورد نظر طراحی می‌شود. گاه در مورد تعریف دکترین نظامی گفته‌اند: «دکترین نظامی اصول بنیادی است که بر مبنای آن نیروهای نظامی و عناصر تشکیل دهنده آن اقدامات خود را در جهت پشتیبانی از منافع ملی هدایت می‌کنند. اعمال دکترین تعیین شده الزامی است ولی نحوه اجرای آن بستگی به نظر و قضاوت مسوولان امر و شرایط محیط دارد.»

در تعریفی دیگر دکترین نظامی عبارت است از: «اصول، خط مشی‌ها و افکار و عقاید قابل اجرا برای اقدامات نظامی که از تجربه و آرایه یک تئوری سرچشمه گرفته و پس از اجماع به عنوان یک راهنما شناخته می‌شود.»

همچنین می‌توان گفت: «دکترین نظامی عبارت است از این که در زمان صلح، هر کشوری بداند که هنگام بروز حوادث نظامی و جنگی چه وظیفه‌ای داشته و طرح آن چیست.»



برخی نیز آن را اسکلت نظریه یا تئوری دانسته و معتقدند که: «یک دکترین نظامی، اسکلت یک تئوری است و محیطی را که در آن نیروهای مسلح باید عمل کنند توصیف کرده و روش و شرایط خاص به کارگیری آن را مقرر می‌دارد.»

ژنرال نیروی هوایی امریکا «کورتیس. آی. لیمن» در بیان دکترین نظامی می‌گوید: «دکترین، امری ذهنی و مجموعه‌ای از اعتقادات و دانش است که به تجربه اثبات شده و چارچوبی را برای به کارگیری نیروها، تجهیزات و تاکتیک‌ها ارائه می‌دهد. برای نمونه می‌توان از دکترین «جنگ محدود»، دکترین «هوا-فضا»، «دکترین استراتژیک»، «دکترین تلافی بزرگ» و ... نام برد. در نهایت می‌توان گفت که دکترین نظامی معمولاً «بر مبنای اندیشه، اعم از نظریه، فلسفه نظامی و ایدئولوژی نظامی وضع می‌شود.»

انواع دکترین نظامی

دکترین نظامی را بر حسب نوع و شیوه عملیاتی که اصول و قواعد کلی آن را بیان می‌کند، دکترین تک نیرویی، دکترین مشترک یا دکترین مرکب به شرح زیر تقسیم بندی می‌کنند.

الف- دکترین نظامی نیرویی (تک نیرویی)

دکترین نظامی نیرویی مجموعه‌ای از اصول، قوانین، اندیشه و عقاید و آراء درباره بهترین نوع به کارگیری بخش‌های مختلف یک نیروی مسلح، از جمله یگان‌های رزمی (عملیاتی)، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی آن نیرو در انواع عملیات است. نیروهای مسلح در محیط‌های مختلفی چون زمین، دریا و هوا فعالیت می‌کنند و هر یک از نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و یا نیروی انتظامی کشورها ویژگی‌ها و ماهیت متمایزی نسبت به دیگری دارند. منحصر به فرد بودن نیرو، مستلزم دکترین خاص و مجزایی است که عقاید مربوط به چگونگی استفاده از قدرت نظامی حاصل از آن نیرو را تبیین می‌کند. در کشورها علاوه بر یک دکترین نظامی ملی (که معمولاً دکترین دفاعی گفته می‌شود)، بخش‌های مختلف نیروهای مسلح نیز دارای دکترین سازمانی با عنوان خاص خود می‌باشند (مثل دکترین زمینی، هوایی، دریایی، ... یا انتظامی).



ب- دکترین نظامی مشترک

دکترین نظامی مشترک^۱، راهنمایی برای به کارگیری نیروهای مختلف در یک عملیات مشترک است و چگونگی همکاری و هماهنگی هر یک از نیروهای شرکت کننده در عملیات را که با دیگر نیروها فعالیت مشترک دارد بیان می کند. مثلاً در خصوص قدرت هوایی، دکترین نظامی مشترک، راهنمایی های لازم برای به کارگیری نیروی هوایی را که در یک عملیات مشترک همراه با دیگر نیروهای مسلح فعالیت می کند نشان می دهد. این دکترین بهترین شیوه تلفیق و به کارگیری نیروی هوایی را همراه با نیروهای دریایی و زمینی و در تعامل با آنها یا در پشتیبانی از آنها در عملیات مشترک تجویز می کند. وظیفه تدوین دکترین ها برای انواع خاص عملیات مشترک ممکن است به یکی از نیروها واگذار گردد. هر نیرو که مسوولیت اصلی تدوین دکترین برای عملیات مشترک را برعهده داشته باشد این وظیفه را با مشورت و همکاری نیروهای دیگر به انجام می رساند. در اغلب مواقع قرارگاه های فرماندهی عملیات مشترک با صدور دستور عملیاتی سعی می کنند این دکترین مشترک را ایجاد نمایند، لیکن اغلب نیروی محور در عملیات مشترک مسوولیت تدوین دکترین مشترک را برعهده دارد، به خصوص در هنگام صلح.

پ- دکترین نظامی مرکب

دکترین نظامی مرکب^۲، اصول، سازمان و مقررات مورد توافق میان نیروهای مسلح و سایر نیروهای متحد و مؤتلف را در عملیاتی مرکب مشخص می سازد. این نوع از دکترین، معمولاً در پشتیبانی از سازمان ها، قراردادها و یا موافقت نامه های دفاعی دو یا چند جانبه تدوین شده و ترتیبات هماهنگ را به منظور به کارگیری نیروهای مسلح در عملیات مرکب ارتقا می بخشد. به عنوان مثال در خصوص کاربرد نیروی زمینی، دکترین نظامی مرکب به عنوان راهنمایی برای به کارگیری این نیرو در عملیات مرکب در ارتباط با سایر نیروهای ائتلافی مورد استفاده قرار گرفته و بهترین شیوه گسترش و تلفیق نیروهای زمینی را با نیروهای متحد در جنگ های ائتلافی تجویز می کند.

-
1. Joint doctrine
 2. Combined doctrine



در جنگ‌های مدرن، اشتراک و هماهنگی در طرح‌ریزی و اجرای عملیات، کلید دستیابی به پیروزی محسوب می‌شود. پایه و مبنای عملیات مشترک و مرکب، تخصص و مهارت تک نیرویی است. بنابراین، دکترین تک نیرویی، ستون فقرات دکترین مرکب و مشترک تلقی می‌شود و فقط در صورتی که دکترین تک نیرویی کارآمد و موثر باشد، هم‌افزایی قوای زمینی، هوایی و دریایی می‌تواند به توان رزم بهینه و مطلوب منتهی شود.

سطوح مختلف دکترین نظامی

دکترین‌های ملی با توجه به ویژگی‌ها و سطح تأثیر آنها در امور کلی کشور و به ویژه دکترین امنیت ملی، دکترین استراتژیک یا راهبردی محسوب می‌شوند. دکترین نظامی نیز با توجه به سطح عملیاتی که این دکترین اصول و قواعد هدایت آن را تعیین می‌کند دارای سه سطح استراتژیک یا راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی به شرح زیر می‌باشد.

الف - سطح راهبردی

تردیدی نیست که تمام دکترین‌های سطح ملی از اهمیت راهبردی برخوردار می‌باشند (بلندمدت و حیاتی و سرنوشت ساز بوده و در محیط رقابتی مطرح می‌باشند)، ولی قاعدتاً در بعد نظامی هم یک دکترین راهبردی^۱ کلان در رأس دکترین‌های نظامی در سطح ملی وجود دارد که مبانی اصلی و قواعد کلی به کارگیری قدرت نظامی کشور را برای حصول به اهداف نظامی امنیت ملی در زمان صلح و جنگ در برابر تهدیدات نظامی بیان می‌کند و چگونگی به کارگیری نیروی مسلح کشور را برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی و برقراری امنیت در داخل کشور نشان می‌دهد. این دکترین، دکترین دفاع ملی یا دکترین نظامی ملی هم گفته می‌شود و علاوه بر این که مأخذ و مبنای تمام دکترین‌های سطوح پایین‌تر است، یکی از مهم‌ترین مراجع برای تهیه متون آموزش‌های نظامی همه دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های نیروی مسلح محسوب می‌شود و مطالب لازم برای برنامه‌های آموزشی و عمومی را فراهم می‌کند. این دکترین برنامه‌های پیشنهاد و تصویب بودجه نظامی را پشتیبانی می‌کند و قواعد و اصول پایه برای استفاده مؤثر از مؤلفه نظامی قدرت ملی

1. Strategi



(نیروهای نظامی و انتظامی و صنایع دفاعی) را به گونه‌ای هماهنگ و هم افزا جهت دفاع از کشور، برقراری، حفظ و استمرار منافع و امنیت ملی در هنگام جنگ و صلح به دست می‌دهد. دکترین‌های نظامی مشترک و مرکب نیز قاعدتاً در سطح راهبردی قرار دارند. در فرهنگ دفاعی - امنیتی آمده است که «دکترین استراتژیک (نظامی) به آن دسته از قواعد بنیادی اطلاق می‌شود که هدایت کننده اقدام نظامی در پشتیبانی از تدابیر اتخاذی عالی‌ترین سطوح فرماندهی نظامی در رده جبهه، گروه ارتش‌ها و قوا است. لازم به ذکر است که تدابیر اتخاذ شده با در نظر داشتن دکترین‌های استراتژیکی منجر به تهیه و تدوین طرح‌های استراتژیکی می‌گردد. دکترین استراتژیکی متضمن اجرای جنگ در صحنه است و چگونه جنگیدن را خاطر نشان می‌سازد.» (نوروزی، همان: ۳۵۱).

ب- سطح عملیاتی (تک نیرویی)

دکترین عملیاتی^۱، مبانی و قوانین حاکم بر سازماندهی، هدایت و به کارگیری یک نیرو در انجام مأموریت‌های نظامی، انتظامی و عملیات رزمی در جنگ‌های متعارف و غیرمتعارف، عملیات ویژه و ضدشورش و امنیت ملی و دیگر وظایف نظامی و انتظامی مربوط به آمادگی نیرو را تعریف می‌کند. این دکترین شامل تدابیر و اصول منتج از دکترین راهبردی کشور (ملی) بوده و به عنوان راهنمای یک نیرو در سازماندهی، آموزش و به کارگیری امکانات آن نیرو مورد استفاده قرار می‌گیرد تا این نیرو بتواند مأموریت خود را در هر نوع درگیری و عملیات نظامی، با اختیارات کافی به انجام برساند.

دکترین عملیاتی به آن دسته از قواعد بنیادی اطلاق می‌شود که هدایت کننده اقدام نظامی در پشتیبانی از تدابیر اتخاذی سطوح میانی فرماندهی نظامی (رده سپاه) است که تدابیر اتخاذی با توجه به دکترین‌های عملیاتی، منجر به تهیه و تدوین طرح‌های عملیاتی می‌گردد. دکترین عملیاتی متضمن اجرای نبرد در جبهه و حلقه واسطه چگونه جنگیدن با چگونه رزمیدن است. دکترین‌های عملیاتی به شکل‌های ساده (تک نیرویی)، مشترک و مرکب تهیه و تدوین و در میدان نبرد اجرا می‌شوند. دکترین‌های عملیاتی صفی هدایت

1. Operational doctrine



کننده، راهنما و روشنگر عوامل صفی در صحنه نبرد و دکترین‌های عملیاتی ستادی، راهنمای عوامل ستادی در تأمین نیروهای صحنه نبرد هستند (همان: ۳۵۶).

پ- سطح تاکتیکی

دکترین تاکتیکی^۱، تاکتیک، تکنیک و مقررات جزء به جزئی را که راهنمای استفاده از سلاح‌های خاص برای کسب اهداف خاص محسوب می‌شوند تعریف می‌کند. دکترین تاکتیکی در واقع راهنمایی برای چگونگی عملکرد یک یگان از یک نیرو در درگیری‌ها و رزم‌ها در میدان رزم و صحنه نبرد می‌باشد. در دکترین تاکتیکی چگونگی کسب اهداف تاکتیکی و چگونگی حرکات و آتش و رزمایش (مانور) یگان‌ها، تأثیرگذاری عوامل و اطلاعات رزمی مانند جو، زمین، دشمن و سلاح‌های در دسترس بر تاکتیک‌های نیروها مورد توجه قرار می‌گیرد.

دکترین تاکتیکی (نظامی) به آن دسته از قواعد بنیادی اطلاق می‌شود که هدایت کننده عملیات تاکتیکی در پشتیبانی از تدابیر اتخاذی سطوح پایین فرماندهی نظامی است که تدابیر اتخاذی سطوح مزبور با توجه به دکترین‌های تاکتیکی، منجر به اجرای رزم می‌شود. دکترین تاکتیکی متضمن اجرای رزم در منطقه هدف است و چگونه رزمیدن را خاطر نشان می‌سازد. دکترین تاکتیکی هدایت کننده، روشنگر و راهنمای عوامل تاکتیکی در رزمگاه‌هاست و به شکل‌های ساده و مشترک تهیه و تدوین و در رزمگاه اجرا می‌شود (همان: ۳۵۳).

رابطه متقابل انواع دکترین

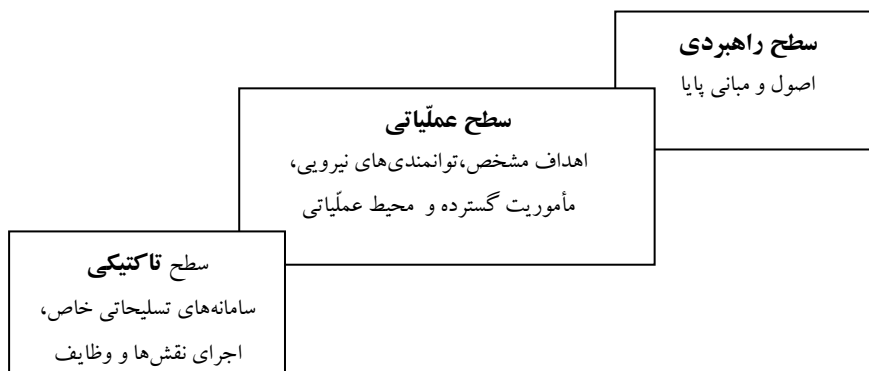
این سه سطح از دکترین به صورت متعامل با یکدیگر مرتبط هستند و یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند. برای مثال در دکترین عملیات هوایی، این سطوح نه نسبت به یکدیگر مستقل می‌باشند و نه به طور دقیق به مرزهای خاصی محدود می‌شوند. برای روشن شدن مسأله به مثال‌های زیر توجه نمایید:

1. Tactical doctrine



چنانچه دکترین راهبردی عملیات هوایی یک رشته عملیات ضربتی هوایی راهبردی را با استفاده از قدرت هوایی برای ضربه مستقیم و دقیق به مراکز ثقل دشمن توصیه کند، در این سطح انتخاب هدف‌های برون مرزی، در این نوع عملیات، بسیار اساسی است و بحث دکترین در این سطح مربوط می‌شود به چگونگی تصمیم‌گیری کلان استفاده از قدرت هوایی برای حمله به این هدف‌ها و فراتر از تصمیم‌گیری در سطح نیروی هوایی کشور است. در این مثال دکترین در سطح عملیاتی به نیروی هوایی مرتبط می‌شود که برای اجرای این رشته عملیات ضربتی راهبردی، فرمانده صحنه جنگ یا فرمانده نیروی هوایی با ایجاد هماهنگی، نیروی هوایی را در عملیات ضربتی هوایی در راستای اهداف تعیین شده به کار می‌گیرد. این عملیات عبارتند از چگونگی اسکورت بمب‌افکن‌ها، گشت هوایی رزمی، خنثی‌سازی پدافند هوایی دشمن، سوخت‌گیری هوایی، شناسایی دوربرد، فرماندهی و کنترل، حمله به پایگاه‌های هوایی دشمن و غیره که نیل به اهداف را میسر می‌سازند.

دکترین تاکتیکی در این مثال مربوط می‌شود به شیوه‌های عملیات هوایی که یگان‌های نیروی هوایی می‌بایست اجرا کنند. برای مثال در رشته عملیات ضربتی هوایی راهبردی، هواپیماهای F14، به عنوان بخشی از یک نیروی ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا اسکورت بمب‌افکن‌ها و حمله به پرنده‌های دشمن امکان‌پذیر شود. دکترین تاکتیکی مشخص می‌کند که چگونه هواپیماهای F14، این نقش را انجام دهند و آنها چگونه با دیگر بخش‌های عملیات و سایر نیروهای ترکیبی، تلفیق و هماهنگ شوند تا اجرای عملیات و تحقق اهداف با پیروزی میسر شود.



شکل ۱. سطوح دکترین

اصول جنگ و دکترین نظامی

اصول جنگ بنیادی‌ترین شکل دکترین نظامی بوده و می‌توان عناصر اصلی هدایت جنگ محسوب می‌شوند. هر چند این اصول درک بهتری از اجرا و هدایت جنگ را فراهم می‌کنند، اما نمی‌توان آنها را فهرستی از موضوعاتی دانست که لزوماً جنگ را به پیروزی می‌رسانند. سون تزو در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح اصول جنگ را برشمرد و نویسندگان بسیاری در قرن هجدهم و نوزدهم، درباره این اصول مطالبی را به رشته تحریر درآورده‌اند. برای مثال می‌توان به سرهنگ جی اف سی فولر اشاره کرد که در سال ۱۹۱۶ مجموعه جدیدی از اصول جنگ را مطرح کرده است. اصول جنگ راهنمای مؤثری برای عملیات رزمی نیروهای مسلح محسوب می‌شوند. به کارگیری این اصول ممکن است متناسب با موقعیت و برداشت فرماندهان، متفاوت باشد. فرمانده باید ماهرانه این اصول را برای حفظ ابتکار عمل و کنترل منطقه رزم به کار گیرد. اصول جنگ مجموعه‌ای از ملاحظات مجرد، قواعد مسلم و مبانی اساسی در طرح‌ریزی، هدایت و اجرای عملیات نظامی است که از عصاره تجارب جنگی ملل مختلف در طول تاریخ حیات بشر در روی زمین حاصل آمده‌اند. اکنون نیروهای مسلح ملل مختلف دارای اصول جنگ تقزیباً مشابهی می‌باشند که برخی از آنها در جدول زیر آورده شده است.



این اصول بر جریان جنگ حاکم می‌باشند و به کارگیری صحیح و به جای آنها امکان موفقیت در نبرد را افزایش می‌دهد. اصول جنگ نسبت به دکترین نظامی پایدارترند. دکترین نظامی تحت تأثیر عوامل متغیری چون فناوری تسلیحات و تجهیزات نظامی، فرهنگ و سن ملل، تجربیات جنگی ارتش‌ها و ... تغییر می‌کنند، در حالی که این عوامل متغیر، اصول جنگ را که خود از جمله مبانی دکترین نظامی محسوب می‌شوند کمتر تغییر می‌دهند. به کارگیری و اجرای هر یک از اصول جنگ در ادوار مختلف و در شرایط متفاوت دکترین خاص خود را داشته و این دکترین از ملتی به ملت دیگر و از نیروی مسلحی به نیروی مسلح دیگر نیز متفاوت می‌باشد.

جدول ۱. معروف ترین اصول جنگ در چند کشور جهان

ایران	جمهوری خلق چین	فرانسه	شوروی سابق	انگلستان، استرالیا، نیوزیلند	آمریکا، فیلیپین
هدف	انتخاب و حفظ هدف			انتخاب و حفظ هدف	هدف
آفند	عملیات آفندی			عملیات آفندی	آفند
تمرکز قوا	تمرکز قوا	تمرکز تلاش	تجمع و پیوستگی نیروها	تمرکز نیرو	تجمع قوا
صرفه جویی در قوا	آفند		صرفه جویی، پیوستگی نیرو	صرفه جویی در تلاش	صرفه جویی در قوا
مانور (رزمایش)			ابتکار عمل	انعطاف پذیری	مانور
وحدت فرماندهی				همکاری	وحدت فرماندهی
تأمین	تأمین			تأمین	تأمین
غافلگیری	غافلگیری	غافلگیری	غافلگیری	غافلگیری	غافلگیری
سادگی					سادگی



	روحیه، تحرك، بسیج سیاسی و آزادی عمل	آزادی عمل	تحرك و شتاب، همزمان حمله در تمام سطوح، حفظ رزم، همکاری متقابل، مؤثر و هماهنگی	حفظ روحیه و تداوم (عملیاتی)	
--	---	--------------	--	--------------------------------	--

الف- اصل هدف

هدایت عملیات نظامی همواره به سمت یک هدف معین و قابل حصول، انجام می‌شود که دستیابی به مقاصد راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی را تسهیل می‌کند. اهداف راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی نظامی باید زمانی تعیین و مشخص شوند که هدف سیاسی از سوی مقامات ملی سیاسی، تبیین و تصویب شده باشند.

اهداف نظامی باید به صورت مستمر تحلیل و بررسی شوند تا اطمینان حاصل شود که آنها نه تنها هدف غایی سیاسی، بلکه محدودیت‌های سیاسی اثرگذار بر به کارگیری نیروی نظامی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. انتخاب اهداف صحنه جنگ به مأموریت کلی فرماندهی عملیات وابسته است و تمام فرماندهان باید سلسله مراتب اهداف را بشناسند.

ب- اصل آفند

آفند عبارت است از کنش به جای واکنش و در اختیار گرفتن زمان، مکان، منظور، دامنه، شدت، سرعت و ابتکار عملیات. با انجام عملیات آفندی معمولاً ابتکار عمل به دست می‌آید که باید حفظ شود و به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار گیرد. اصل آفند بر اقدام آفندی و حفظ ابتکار عمل به عنوان مؤثرترین و قاطع‌ترین راه برای تعقیب و رسیدن به یک هدف مشخص تأکید می‌ورزد. اگر چه ممکن است اتخاذ وضعیت پدافندی ضرورت یابد، اما این وضعیت باید تنها تا زمانی حفظ شود که ابزار لازم برای اتخاذ حالت آفندی مجدداً مهیا شود. روحیه آفندی در اجرای عملیات پدافندی نیز باید یک ویژگی ذاتی باشد. اقدام آفندی، در هر شکلی، روشی است که با آن یک کشور و یا نیروهای مسلح، ابتکار عمل را در اختیار می‌گیرد، آن را حفظ می‌کند و در نتیجه آزادی عمل را به دست می‌آورد و به نتایج مورد نظر خود می‌رسد. اقدام آفندی به رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی امکان



می‌دهد که خواست خود را به دشمن تحمیل کرده و شرایط جنگ را تعیین و مکان رویارویی و یا رزم را انتخاب نمایند. با حفظ ابتکار عمل فرماندهان می‌توانند از نقاط آسیب‌پذیر استفاده کرده و نیروهای دشمن را به جای کنش مجبور به واکنش نمایند.

پ- اصل تمرکز قوا

تمرکز توان رزم در زمان و مکان سرنوشت ساز را تمرکز قوا گویند. این اصل در سطح راهبردی بر این مهم دلالت دارد که کشور باید برای تقویت و تمرکز توان ملی در نواحی و مناطقی که تهدید علیه منافع امنیتی و حیاتی بسیار زیاد است اقدام نموده و یا برای آن آماده باشد. اصل مذکور در سطح عملیاتی ناظر بر آن است که توان رزم برتر باید در زمان و مکان سرنوشت‌ساز برای دستیابی به نتایج قطعی متمرکز گردد.

ت- اصل صرفه جویی در قوا

انجام موثر تمرکز قوا با به کارگیری حداقل توان رزم برای اهداف ثانوی و استفاده کامل از حداکثر نیروهای در دسترس برای هدف اصلی میسر است. در سطح راهبردی، اصل صرفه‌جویی در قوا در کنار تمرکز قوا، بیان می‌کند که با توجه به منابع محدود، یک کشور ممکن است مجبور شود برخی خطرات را در مناطقی بپذیرد که در آنها منافع ملی حیاتی در تهدید فوری قرار ندارند. اصل صرفه‌جویی در قوا، انعطاف‌پذیری در تفکر و اقدام را مورد تأکید قرار می‌دهد. اجرای موفقیت‌آمیز این اصل در صحنه جنگ با فریب و گمراه کردن دشمن و استفاده از اصل غافلگیری تسهیل می‌شود.

در سطح عملیاتی، این اصل مستلزم به کارگیری حداقل ابزار و منابع در مناطقی است که تلاش اصلی در آنها انجام نمی‌گیرد. این اصل، به معنای پذیرش مخاطرات سنجیده شده در برخی مناطق است.

ث- اصل مانور (رزمایش)

قرار دادن دشمن در وضعیت نامطلوب از طریق به کارگیری توان رزم نیروهای خودی به صورت قابل انعطاف ممکن و میسر می‌باشد. این اصل به لحاظ راهبردی، دارای سه بعد مرتبط با یکدیگر است که عبارتند از انعطاف‌پذیری، تحرک و قابلیت جابه‌جایی. اولین



بعد، بیانگر ضرورت انعطاف‌پذیری در اندیشه، طرح‌ها و عملیات‌ها می‌باشد. این نوع انعطاف‌پذیری توانایی واکنش سریع به شرایط پیش‌بینی نشده را افزایش می‌دهد. دومین بعد، تحرک راهبردی عملیاتی و تاکتیکی را شامل می‌شود، که به واکنش سریع جهت تمرکز و اعزام فوری نیرو برای نیل به اهداف مورد نظر تعبیر می‌شود. بعد سوم قابلیت جابه‌جایی نیروها و آتش‌های پشتیبانی درون صحنه جنگ را برای تمرکز حداکثر قدرت در مقابل نقاط ضعف دشمن و در نتیجه آن کسب امتیاز راهبردی در بر می‌گیرد.

رزمایش در صحنه جنگ و در جریان یک عملیات، عنصر ضروری به کارگیری صحیح و مؤثر توان رزم محسوب می‌شود که به حفظ ابتکار عمل، استفاده از موفقیت، حفظ آزادی عمل و کاهش آسیب‌پذیری‌ها کمک شایانی می‌کند. هدف رزمایش، تمرکز و یا گسترش نیروها به شیوه‌ای است که دشمن در وضعیت نامساعد قرار گیرد. بدین ترتیب، نتایج حاصل می‌شود که بدون استفاده از رزمایش، با تلفات انسانی و مادی زیادی هم ممکن است حاصل نشود.

به کارگیری این اصل در تمام سطوح جنگ، نه تنها به آتش و حرکت نیاز دارد، بلکه مستلزم انعطاف‌پذیری در اندیشه، طرح‌ها و عملیات و نیز بهره‌گیری سنجیده از اصول تمرکز قوا و صرفه‌جویی در قوا می‌باشد. رزمایش ابزاری است که فرمانده به کمک آن شرایط رزم را در اختیار گرفته، شدت رزم را کاهش داده و یا از اقدامات تاکتیکی بهره‌برداری می‌کند.

ج- اصل وحدت فرماندهی

تضمین وحدت تلاش برای یکایک اهداف تحت نظر یک فرمانده مسوول و پاسخگو را وحدت فرماندهی می‌نامند. این اصل بر این مطلب تأکید می‌ورزد که همه اقدامات باید به سمت یک هدف مشترک هدایت و هماهنگ شوند. این هدف مشترک، در سطح راهبردی با عزم سیاسی ملی و نیز اهداف گسترده راهبردی منتج از آن منطبق می‌باشد. در سطح راهبردی، نیروهای نظامی مورد نیاز براساس هدف مشترک مورد بحث، مشخص می‌شوند. برای توسعه کامل توان رزمی، این نیروها باید با استفاده از وحدت تلاش با یکدیگر هماهنگ شوند. هماهنگی ممکن است با همکاری حاصل شود، هرچند واگذاری اختیارات



کافی به یک فرمانده واحد و مشخص برای هدایت همه نیروهای به کار گرفته شده در راستای یک هدف مشترک، دستیابی به این امر را به بهترین وجه امکان‌پذیر می‌نماید. در نیروهای مسلح وحدت فرماندهی به این معنی است که هر یگان نظامی و هر فرمانده نظامی در سلسله مراتب فرماندهی خود از یک فرمانده مشخص دستور می‌گیرد و در برابر او پاسخگو است.

چ- اصل تأمین

تأمین عبارت است از مراقبت نیروهای خودی و عملیات آنها در برابر اقداماتی از سوی دشمن تا نتواند برتری و امتیاز غیرقابل پیش‌بینی را از نیروهای خودی کسب کند. رعایت اصل تأمین و در نتیجه کاهش آسیب‌پذیری‌های نیروهای خودی در مقابل اقدامات خصمانه یا غافلگیرانه دشمن، موجب آزادی عمل بیشتر نیروهای خودی می‌شود. اما اقدامات تأمینی نباید انعطاف‌پذیری ذهنی و عملی را مختل نماید، زیرا غیرقابل انعطاف بودن و جزم‌اندیشی باعث افزایش آسیب‌پذیری در برابر اقدامات غافلگیرانه دشمن می‌شود. در این‌باره، طرح‌ریزی دقیق ستادی و درک کامل راهبرد، تاکتیک و دکترین دشمن می‌تواند سبب ارتقای سطح تأمین و کاهش آسیب‌پذیری خودی نسبت به عملیات دشمن شود. تأمین در سطح راهبردی، مستلزم اقدامات عامل و غیرعامل برای محافظت از کشور و نیروهای مسلح آن در برابر جاسوسی، جمع‌آوری اطلاعات راهبردی و خرابکاری توسط دشمن می‌باشد. رشته عملیات اصلی به تأمین نیروها و طرح‌ها برای نیل به پیروزی متکی‌اند. در سطوح عملیاتی و تاکتیکی، تأمین در نتیجه اقدامات انجام گرفته توسط فرماندهی برای محافظت از خود در برابر غافلگیری، مشاهده، کشف و ردیابی، اختلال، جاسوسی، خرابکاری و مزاحمت دشمن حاصل می‌شود. تأمین ممکن است با ایجاد و استمرار اقدامات محافظتی علیه فعالیت‌های خصمانه دشمن حاصل شود و یا ممکن است با عملیات فریب که برای سردرگمی و بی‌اثر کردن تلاش‌های دشمن که برای تأثیرگذاری بر نیروهای محافظت شده انجام می‌گیرد، به دست آید. در هر حال اقدامات تأمینی می‌بایست مستمر و پویا باشند.



ح- اصل غافلگیری

غافلگیری عبارت است از وارد آوردن ضربه بر دشمن در زمان و مکان غیر قابل انتظار او، یا به شیوه‌ای که برای او غیر قابل پیش‌بینی باشد. اصل غافلگیری را تا حد بسیار زیادی می‌توان نقطه مقابل تأمین دانست. مخفی نگه داشتن قابلیت‌ها و مقاصد نیروهای خودی، فرصتی را پدید می‌آورد تا به دشمن، در زمانی که آمادگی ندارد و بی‌اطلاع است حمله شود. اما دستیابی به غافلگیری راهبردی بسیار مشکل است. پیشرفت‌های سریع در فناوری‌های نظامی راهبردی باعث می‌شود، مخفی کردن جابه‌جایی و نقل و انتقال گسترده افراد و تجهیزات مشکل شود. با این حال، اعزام و نقل و انتقال سریع نیروهای رزمی به یک منطقه بحرانی می‌تواند باعث پیش‌دستی و یا مختل کردن طرح‌ها و آمادگی‌های دشمن شود. غافلگیری در نتیجه مواجهه با دشمن در زمان، مکان و به شیوه غیرمنتظره حاصل می‌شود. عوامل مؤثر در غافلگیری عبارتند از سرعت و چالاکی، به کارگیری عوامل غیرقابل انتظار، اطلاعات مؤثر، انواع عملیات فریب، تاکتیک و روش‌های عملیاتی گوناگون و تأمین عملیات.

خ- اصل سادگی

اصل سادگی عبارت است از اجتناب از پیچیدگی غیرضروری در آماده‌سازی، طرح ریزی و اجرای عملیات نظامی. دستورالعمل‌ها، طرح‌ها و دستورات باید تا حد امکان، ساده، مستقیم و بدون ابهام باشند. در سطح ملی، اهمیت راهبردی اصل سادگی، توسعه و ارتقای پشتیبانی عمومی را در پی دارد. بنابراین، اهداف و عملیات سیاسی و نظامی باید با اصطلاحات واضح، موجز و غیر قابل تفسیر بیان شوند و هرگز دو پهلو نباشند. این اصل در کاربرد نظامی خود، با دادن راهنمایی‌های ساده به جای دستورالعمل‌های مفصل و پیچیده، باعث ارتقا و بهبود انعطاف‌پذیری می‌شود. طرح‌های مستقیم و ساده و دستورات روشن و موجز برای کاهش سوء تعبیر و آشفتگی و سردرگمی، بسیار ضروری‌اند.



به کارگیری اصول جنگ در دکترین

اصول جنگ به عنوان جزء جدا نشدنی اندیشه نظامی، صرفاً بیانگر یک سری حقایق عمومی و پذیرفته شده‌ای هستند که صحت و اعتبار آنها برای فرماندهان نظامی به اثبات رسیده است. این اصول هرگز جایگزین نبوغ نظامی و یا حتی تخصص حرفه‌ای نمی‌شوند. ماهیت پیچیده جنگ معمولاً مانع از به کارگیری صددرصدی اصول جنگ به عنوان فهرستی برای موفقیت عملیات‌های نظامی می‌شود. این اصول جای ابتکار عمل و مآل اندیشی را پر نمی‌کنند، بلکه یک چارچوب ذهنی ارائه می‌دهند که برای ارزیابی اقدامات احتمالی به کار می‌روند. از منظر دکترین این اصول راهنمای بنیادین محسوب می‌شوند و همان طور که گفته شد، فرماندهان ضمن الزام به رعایت این اصول در انواع عملیات با در نظر داشتن شرایط، آنها را با دکترین خاص خود به کار می‌برند.

فرآیند تدوین و توسعه دکترین

با توجه به این که در تاریخ ملل و در سازمان‌ها و حُرَف مختلف، همواره دکترین‌های خاص چه به صورت رسمی و مدون مبتنی بر نظرات اندیشمندان و یا به صورت غیررسمی و خودجوش برای اجرای عملیات و اداره امور به وجود می‌آیند، متداول می‌شوند و با تغییرات محیط خود تغییر می‌کنند، لذا غالباً دکترین‌ها تغییر و توسعه می‌یابند و تنها ممکن است درباره موضوعات جدید و بدیع دکترین‌های جدید وضع و تدوین شوند. در اینجا منظور از فرآیند تدوین و توسعه دکترین، ارایه یک روش ساده برای بررسی و اصلاح دکترین و در صورت لزوم وضع و تدوین دکترین جدید می‌باشد. قبلاً گفته شد که عوامل متغیر زیادی ممکن است سبب تغییر شکل دکترین شوند. بخش‌هایی از دکترین که متمایز از اصول قطعی و جزمی است بر تغییرات مستمر متکی می‌باشند و با وقوع حوادث ممکن است به تدریج تغییر یابند و چه بسا دکترین برای مدت مدیدی مورد بی‌توجهی قرار گیرد، اما نباید اجازه دهیم چنین شود. فرایند دکترین امکان وقوع تغییرات را به شکل منظم امکان‌پذیر می‌سازد، به طوری که دکترین در مقابل تغییرات لحظه‌ای پاسخ‌گو بوده و در



عین حال جوهر اصلی آن ثابت می‌ماند. فرایند توسعه دکترین مستمر بوده و دارای یک روش‌شناسی دَوْرانی یا «حلقه دکترینی» می‌باشد (کاپیتان نیتایا، ۱۹۹۷: ۱۲).

الف- مراحل فرایند توسعه دکترین

مدل‌های فرایند توسعه دکترین در کشورهای مختلف، متفاوت می‌باشند لیکن بیشتر این مدل‌ها تلاش سه مرحله‌ای توسعه دکترین را شامل می‌شوند. هنگامی که تغییراتی در محیط و عوامل مؤثر در دکترین نظامی رخ می‌دهد، تجارب تازه‌ای حاصل می‌شوند یا این که نظریه جدیدی ابراز می‌شود فرایند توسعه دکترین جاری یا تدوین دکترین جدید آغاز می‌شود. این مراحل عبارتند از: جمع‌آوری اطلاعات، تدوین و توسعه دکترین و انتشار آن (همان منبع).

۱) جمع‌آوری اطلاعات

در این مرحله، اطلاعات عینی لازم از منابع مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند. پایه و اساس تغییر، به دلیل تأثیر عوامل مختلف بر دکترین نظامی، باید مبتنی بر جمع‌آوری اطلاعات عینی باشد. تأثیر احتمالی اطلاعات جدید و مربوط به آینده بر دکترین موجود باید متقاعد کننده بوده و یا ضرورت تدوین یک دکترین جدید را به اثبات رساند.

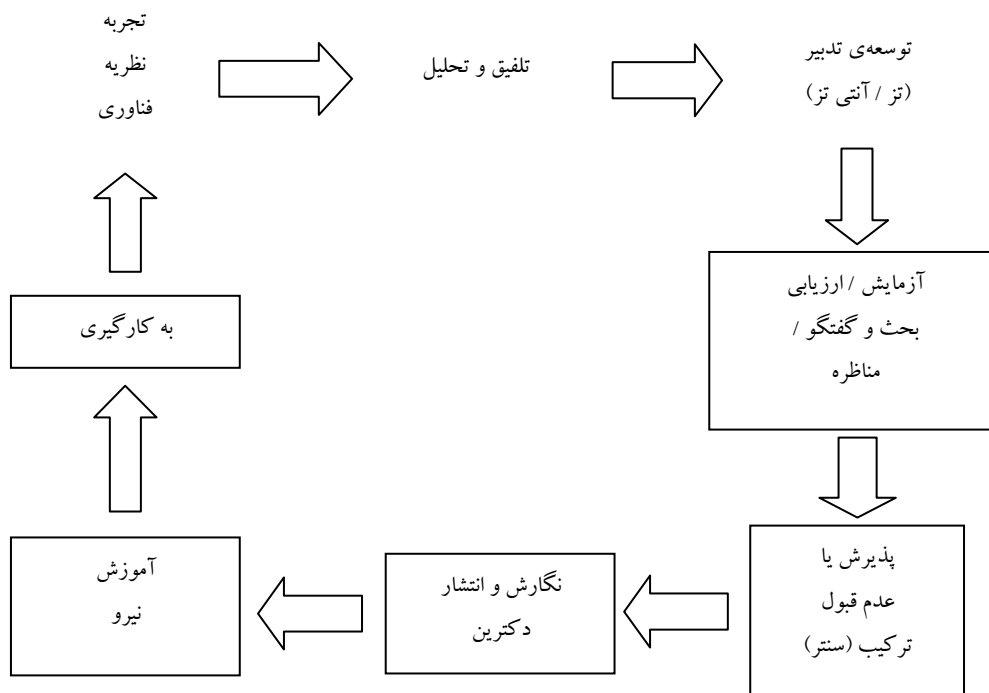
۲) تدوین و توسعه دکترین

در این مرحله به تلخیص «مفاهیم دکترین» براساس اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته می‌شود. تدوین دکترین در واقع مرحله اصلی فرایند توسعه دکترین است و حتی آن را خود فرایند قلمداد می‌کنند.

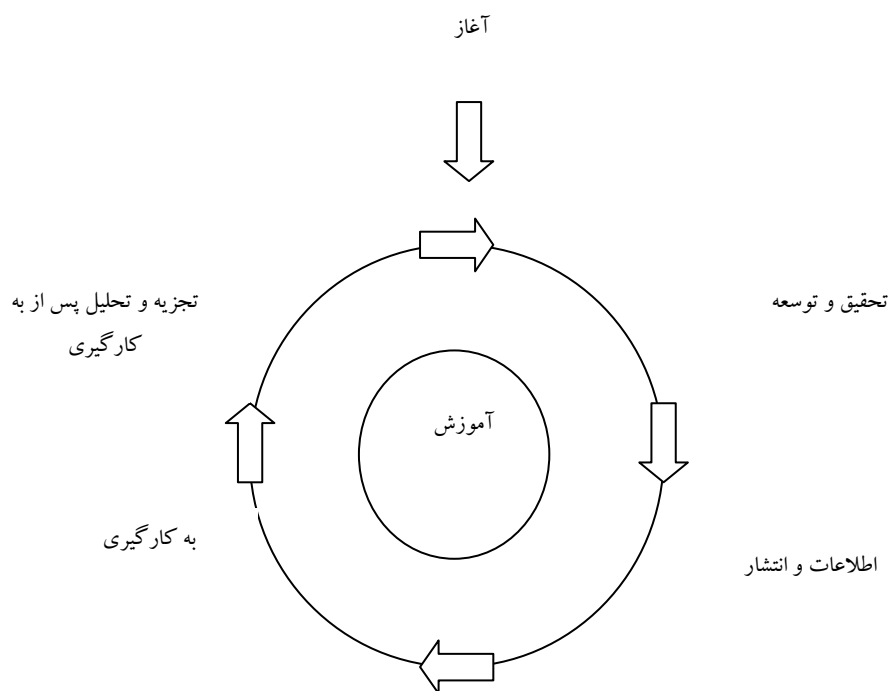
۳) انتشار

همه کارکنان مؤثر نیروهای مسلح باید از خروجی مرحله تدوین از طریق جلسات، همایش‌ها و نشریات نظامی حرفه‌ای مطلع شوند و یا روش‌هایی برای اعلان و آموزش تغییرات دکترین یا دکترین‌های جدید تدوین شده، براساس اطلاعات، تجربیات، نظریه‌ها و فناوری‌های جدید ایجاد و به کار گرفته شود.

ب- نمایش مراحل فرایند توسعه دکترین در برخی کشورهای جهان



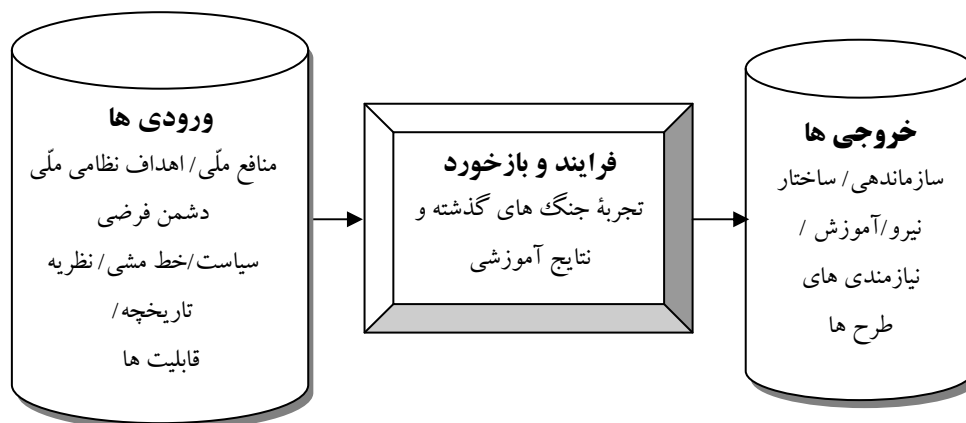
شکل ۲. چرخه توسعه دکترین نیروی هوایی امریکا



شکل ۳. حلقه توسعه دکترین نیروی هوایی سلطنتی نیوزلند



شکل ۴. فرایند توسعه دکترین نیروی هوایی سلطنتی استرالیا



شکل ۵. فرآیند توسعه دکترین نیروی هوایی سلطنتی انگلیس

تدوین دکترین نظامی پنج مرحله‌ای

در این مقاله، یک مدل پنج مرحله‌ای برای تدوین دکترین پیشنهاد می‌شود. پیاده‌سازی این روش باید با توجه به شرایط محیطی کشور انجام شود. به بیان دیگر، صرف توضیح این مدل پنج مرحله‌ای برای توسعه دکترین ملاک نمی‌باشد. مراحل مذکور به شرح زیر است:

- مرحله اول - شناسایی مناقشه (جنگ) و ماهیت آن

- مرحله دوم - بررسی نقطه نظرات دشمن (نیات دشمن)

- مرحله سوم - توسعه راهبرد ملی

- مرحله چهارم - توسعه راهبرد نظامی (ملی)

- مرحله پنجم - توسعه و تدوین دکترین نظامی (ملی)

الف- مرحله اول شناسایی مناقشه (جنگ) و اهمیت آن

شناسایی ماهیت مناقشه (جنگ) و اهمیت آن مرحله حیاتی و اولیه در تدوین دکترین می‌باشد. شناخت ویژگی‌ها و ماهیت منحصر به فرد هر یک از مناقشات یا جنگ‌ها که تأثیر متفاوتی بر راهبرد ملی و نظامی دارند و بیان مجددی از مأموریت‌های نیروهای مسلح را ایجاد می‌کنند، همچنین هدف‌ها، سیاست‌ها و ویژگی‌های نیروی نظامی مطلوب برای هر یک از انواع مناقشه‌ها، همگی تأثیر عمیقی بر دکترین نظامی می‌گذارند. در تعیین ویژگی و



ماهیت واقعی مناقشه یا جنگ، دقت لازم باید مبذول شود. هر گونه اشتباه در این مرحله موجب بروز سلسله اشتباهات دیگری می‌شود که سازمان نظامی را به یک سازمان غیر کارا و نامناسب برای واکنش به تهدیدات تبدیل می‌کند. چند نمونه از اشتباهات احتمالی به اختصار در پی می‌آیند:

- اشتباه در توصیف ویژگی‌ها و نیازمندی‌های نیروی نظامی قبل از شناخت جنگ و یا مناقشه‌ای که نیرو در آینده درگیر آن می‌شود. برای مثال پیامد این اشتباه تدوین راهبرد تسلیحاتی به جای راهبرد ملی و یا نظامی خواهد بود.

- اشتباه در «برآورد تهدید» و آنچه دشمن می‌تواند و یا نمی‌تواند انجام دهد و توقف تجزیه و تحلیل در این مرحله بدون بررسی عمیق ماهیت، ویژگی‌ها و پویایی‌های جنگ یا مناقشه و خسارتی که ممکن است در اثر وقوع جنگ بر کشور وارد آید. در این صورت روند تفکر صرفاً به ارزیابی تهدید محدود شده و هیچ بینش و نظریه‌ای در خصوص این که کشور چه کاری برای بازداشتن دشمن (بازدارندگی)، شکست و یا حتی خنثی کردن نیات و مقاصد دشمن قبل از آغاز عملیات نظامی می‌تواند انجام دهد حاصل نمی‌شود. هنگامی که هیچ بینش و نظریه‌ای در این زمینه مطرح نمی‌شود، راهبردهای ملی و نظامی متوقف شده و راهبرد تسلیحاتی (رقابت تسلیحاتی) آغاز می‌شود.

- اشتباه در تنظیم اهداف نظامی ملی در مراحل اولیه، بدون شناسایی و تحلیل مناقشه مورد نظر و بدون نگاه اولیه به آن، از منظر دشمن. این اشتباه اغلب به اهدافی منجر می‌شود که با ویژگی‌های درگیری جاری و یا قریب‌الوقوع منافات دارد و پیروزی نهایی را تضمین نمی‌کنند.

ب- مرحله دوم بررسی نقطه نظر دشمن (تشخیص نیات دشمن)

برای انجام این مهم، باید بتوانیم مانند دشمن فکر کنیم و همانند او شرایط محیطی، سیاسی، روانی، فنی، علمی، اقتصادی، جغرافیایی و اکولوژیکی را مد نظر قرار دهیم. این امر باید با درک کامل از نیروهای خودی و تدابیر سیاسی مرتبط با استفاده از نیروی نظامی همراه باشد. چنانچه نمی‌توانید مانند دشمن فکر کنید، طرز تلقی او را داشته باشید و بازی جنگ



مبتنی بر نگرش او را اجرا کنید. در این مرحله نیز اشتباهات و خطاهای زیر به راحتی ممکن است بروز کنند:

- این تفکر اشتباه که دشمن همان عواملی را حیاتی می‌پندارد که شما فکر می‌کنید. در این صورت تصور شما ممکن است به دور از واقعیت بوده و در نهایت به یک دکتترین غیر موثر و نامربوط منجر شود. برای مثال، اکنون اغلب حکومت‌ها در مقابله با شورش‌ها، دیگر مثل گذشته، قدرت نظامی و اقتصادی را به عنوان تنها عوامل حیاتی قدرت مد نظر قرار نمی‌دهند. آنها رهبری نظامی - سیاسی، ایدئولوژیکی و سازمان‌های غیر دولتی را عواملی بسیار قدرتمند به حساب می‌آورند که می‌توانند بر هر گونه ضعف اولیه سیاسی، اقتصادی، فنی - علمی، جغرافیایی و حتی نظامی غلبه یابند، چرا که این عوامل قدرتمند می‌توانند پشتیبانی مردم، پشتیبانی بین‌المللی و اطلاعات راهبردی و تاکتیکی و حتی شاید سربازان غیر دولتی و داوطلب را به نفع خود به صحنه آورده و پایگاه پشتیبانی امنی را برای آنها تأمین کنند، همان گونه که در کشورهایی مانند چین و ویتنام روی داد و در طول دفاع مقدس در کشور ما نیز، این چنین بود.

- خطای طرح‌ریزی و اجرای عملیات آفندی و پدافندی بدون در نظر گرفتن شیوه جنگ و طرز تفکر دشمن که به طرز گسترده‌ای بر ویژگی‌ها، پویایی، نتایج و پیامدهای مناقشه و یا جنگ تأثیر می‌گذارند. این مرحله با کلمات قصار سون‌تزو در کتاب هنر جنگ در ۲۵۰۰ سال قبل منطبق می‌باشد که درباره شناخت خود و دشمن، به خوبی بیان شده، ولی اغلب مورد توجه طرح‌ریزان قرار نمی‌گیرد.

پ- مرحله سوم توسعه راهبردهای ملی جایگزین برای مناقشه یا جنگ راهبردهای ملی جایگزین برای مناقشه یا جنگ به گونه‌ای می‌بایست توسعه یابند که ابزارهای قدرت کشور بتوانند ویژگی‌های مطلوب قدرت ملی را توسعه داده و سپس آن را علیه دشمن به کار گیرند. این امر تضمین می‌کند که تمام منابع کشور به شیوه‌ای هماهنگ علیه دشمن به کار گرفته شوند و در فرایند توسعه و تدوین دکتترین نظامی هم می‌بایست مورد توجه قرار بگیرند.



راهبرد ملی شامل مجموعه‌ای از سیاست‌ها، طرح‌ها، دکترین‌ها، برنامه‌ها و بودجه بندی‌ها است که نیروهای فعلی و یا آینده را برای مقابله با دشمن و کسب اهداف از پیش تعیین شده یاری می‌رسانند. بسیاری از استراتژیست‌ها طوری راهبرد را ارائه می‌دهند که کمتر شبیه و حتی گاه متفاوت از عناصر تشکیل دهنده راهبرد (ابزار، شیوه‌ها و اهداف) هستند. طراحان دکترین در سطح راهبردی مشخص می‌کنند که چگونه می‌توان ابزار قدرت ملی و ویژگی‌های مطلوب را توسعه داده و علیه دشمن به کار گرفت. آنها باید عواملی را مدنظر داشته باشند که شایستگی، مقبولیت و قابلیت اجرایی راهبرد ملی یا نظامی را به مقامات سیاسی (مجریه و مقننه) اثبات کنند. در صورت نادیده گرفتن این عوامل، خطاهای زیر رخ می‌دهند:

- اشتباه در باور این مسأله که توسعه راهبرد تابعی از یک منطق عقلانی و غیرعاطفی می‌باشد، طرح‌های راهبردی نیروهای مسلح را در برنامه‌های سالانه و اولویت‌های بودجه‌ای و به ویژه در بودجه نیروهای مسلح مورد بی‌توجهی قرار می‌دهد. عوامل لحظه‌ای (مقطعی و کوتاه مدت)، اولویت‌ها را تحمیل می‌نمایند و نیازهای راهبردی فراموش می‌شوند. ظاهراً همه چیز تحت تأثیر «مدیریت بحران» قرار می‌گیرد. وحدت نظر بسیار اندکی هم در خصوص اهداف مناقشه و یا جنگ به وجود می‌آید. در خصوص فرماندهی و یا رزمایش‌های گسترده یا متمرکز نیروها یا صرفه‌جویی در قوا هم وحدت نظر بسیار اندکی وجود دارد و در خصوص کمیت و کیفیت نیروها، سامانه‌های جنگ افزاری و فرماندهی جهت بازدارندگی و یا جنگ و پیروزی در مناقشات، اتفاق نظر به چشم نمی‌خورد. این موارد ناشی از تأثیری است که «عوامل لحظه‌ای» بر طرح واقعی راهبردی نیروهای مسلح می‌گذارند.

- خطای نادیده گرفتن عوامل مهم ملی در جنگ تمام عیار علیه دشمن در زمان جنگ و صلح. طرح راهبردی نیروهای مسلح، نباید تعاملات و روابط نیروهای مسلح با سازمان‌های غیرنظامی و سیاسی دولت را براساس ابعاد سیاسی، اقتصادی، روانی-اجتماعی، فنی-علمی و جغرافیایی و اکولوژیکی کشور در هر مناقشه یا جنگ خاص نادیده بگیرد.



این اشتباه نظری می‌تواند فقط یک نوع راهبرد تک بعدی یا راهبرد تسلیحاتی را در پی داشته باشد.

ت- مرحله چهارم توسعه راهبرد نظامی نیروهای مسلح برای مناقشه یا جنگ خاص راهبرد نظامی باید از عناصر زیر برخوردار باشد:

- بیان مجدد مأموریت نیروهای مسلح جهت مشخص شدن این که چرا نیروهای مسلح در یک مناقشه و یا جنگ خاص حضور پیدا می‌کنند. بیان مجدد مأموریت باید به گونه‌ای باشد که به همه اعضای نیروهای مسلح انگیزه و قدرت کافی برای مبارزه، تحمل مشکلات و حتی فدا کردن جان اعطا کند تا در نهایت مأموریت به طور کامل محقق شود.

- یک رشته دکترین‌ها و سیاست‌های همبسته و مرتبط با یکدیگر که به ساختاربندهی شفاف نیروهای مسلح منجر می‌شوند و برای بازدارندگی و پیروزی در مناقشه و یا جنگ باید ویژگی‌های خاصی را شامل شوند. سیاست‌ها و دکترین‌های نیروهای مسلح از طریق طرح‌ها، برنامه‌ها و بودجه‌ها بر وضعیت موجود و آتی تأثیر می‌گذرانند.

- یک رشته طرح‌ها، برنامه‌ها و بودجه‌های مرتبط با یکدیگر- مبتنی بر مأموریت‌ها، اهداف، دکترین‌ها و سیاست‌های نیروهای مسلح - در خصوص سازماندهی، آموزش، حفظ نیرو، عملیات، فرماندهی و کنترل که هماهنگی تمام تلاش‌های به ظاهر ناهمگون نیروهای مسلح را افزایش می‌دهد. بدیهی است که در این صورت اهداف نیروهای مسلح با تأثیر و کارایی بیشتری حاصل می‌شوند.

- به مدل راهبرد نظامی باید از منظر یک زیر سیستم- درون سیستم کلی راهبرد ملی- نگریسته شود. همچنین مدل راهبرد نظامی را نیز می‌توان به عنوان یک مجموعه کلی مد نظر قرار داد که در آن اهداف، دکترین‌ها و سیاست‌های ملی، طرح‌ها، برنامه‌ها، بودجه‌ها و نیروها به عنوان زیر مجموعه محسوب می‌شوند. این «نگرش سیستمی» به راهبرد نظامی، مانع سازماندهی مجدد غیرمنطقی و یا واگذاری اشتباه نقش‌ها و عملکردها می‌شود، زیرا تأثیرات وارده بر سیستم کلی نیروهای مسلح- متناسب با یک مناقشه خاص- قابل تشخیص می‌شوند.



ث- مرحله پنجم توسعه دکترین نظامی

توسعه دکترین نظامی در خلال تلاش برای تدوین راهبرد نظامی کلان- ملی- تکوین می‌یابد. در حقیقت با طی کردن مراحل اول تا چهارم، می‌توانیم دکترین مقدماتی را تدوین کنیم. این دکترین مقدماتی، چنانچه به خوبی مورد تحقیق و توسعه قرار گیرد می‌تواند راهنمایی برای تدوین راهبرد کلان رسمی و نظامی در یک مناقشه یا تهدید خاص به حساب آید. توسعه دکترین نظامی از این نظر همانند علم بیوشیمی است که دانشمند بیوشیمی می‌تواند یک ارگانسیم را طوری طراحی و باز طراحی کند که با یک محیط خاص سازگار شود و یا در آن اثربخش باشد. دکترین مقدماتی نیروهای مسلح را نیز می‌توان مشابه یک ارگانسیم فرض کرد که دارای دشمنان احتمالی و عوامل محیطی خاص می‌باشد. طراحی مجدد این ارگانسیم به این دلیل انجام می‌شود که بتواند با محیط جدید به سرعت سازگار شده و با اعمال مدیریت خاص نقش‌ها، وظایف و روابط بخش‌های مختلف، به سوی هدف اصلی خود پیش رود. دکترین‌های تک‌نیروی مانند توصیف دقیق هر یک از بخش‌های این ارگانسیم و نقش‌ها، کارکردها و روابط بخش‌های فرعی آن می‌باشند. دکترین‌های مشترک و مرکب نیز مانند شرح و تفصیل مغز و شبکه عصبی برای هدایت، کنترل و هماهنگی قسمت‌های عمده‌تر این ارگانسیم محسوب می‌شوند. چنانچه دکترین‌های اولیه، عملیاتی و یا راهبردی (مشترک و مرکب) از ارائه توضیحات کافی و یا شرح روابط میان بخش‌ها و زیربخش‌های این ارگانسیم ناکام بمانند، مطمئن باشید که تسلیم شرایط محیط شده، قادر به ادامه بقا نخواهد بود و به زودی به بوته فراموشی سپرده می‌شود.

جمع‌بندی

تهیه و تدوین دکترین در هر سازمانی و به خصوص در نیروهای مسلح الزامی و از اهمیت دوچندان برخوردار است. دکترین به طور کلی به دو نوع دکترین فردی و سازمانی تقسیم می‌شود. برخی دکترین را بر حسب موضوع و بحثی که دکترین در مورد آن بیان می‌شود، دسته بندی می‌کنند که دامنه وسیعی را در بر می‌گیرد و تقسیم بندی دکترین به



دکترین نظامی، دکترین انتظامی، دکترین امنیتی، دکترین سیاسی، دکترین پدافندی یا آفندی، دکترین بازدارندگی و ... در این دسته بندی جای می گیرند.

دکترین نظامی هم بر حسب سطح و نوع عملیاتی که اصول و قواعد کلی آن را بیان می کند به دکترین استراتژیک (راهبردی)، دکترین عملیاتی، دکترین تاکتیکی، دکترین تک نیرویی یا دکترین های مشترک و مرکب و ... تقسیم بندی می کنند.

دکترین واژه ای است فرانسوی به معنی مسلک، عقیده، رأی، نظریه و فکر و در اشکال مختلفی از جمله دیدگاه، الگو، بیانیه، اصول، نظریه، خط مشی، چگونگی عمل، راهنما و روش و ده ها عنوان دیگر تعریف شده است. معادل آن در زبان فارسی واژه آیین با ریشه پهلوی با معانی دستور، روش، رسم، عادت، نظم، قاعده، سنت و کیش است.

آموزه هم مترادف دکترین آورده شده و اخیراً نیز واژه رهنامه را معادل فارسی دکترین تعیین کرده اند. اما دکترین بیش از آن که صرفاً به عنوان یک واژه، دارای معنی لغوی ساده و محدود باشد، دارای مفهومی عمیق و کاربردی گسترده است که می بایست تمامی ابعاد و جوانب آن مورد توجه قرار داده شوند.

همه حرفه ها در بین ملل مختلف آیین خاص خود را داشته و همواره مهم ترین آیین های هر قوم و ملتی آیین های دینی و آیین های نظامی آنها بوده و اقوام مختلف برای جنگیدن به وسیله سازمان های نظامی خود، آیین، نظم، قاعده و راه و رسم ویژه خود را داشته و به هنگام جنگ و حتی پیش از بروز جنگ، این آیین ها را به کار برده اند. در فرهنگ ملل مختلف از آیین نظامی با عنوان دکترین یاد می کنند.

با توجه به مفهوم دکترین، نتیجه گرفته شد که دکترین در اصل از جنس اندیشه و ماهیت آن در حقیقت ذهنی و نشأت گرفته از آموخته های آموزشی و یافته های تجربی، مبتنی بر قالب های ذهنی، تفکرات و تلقی ها، باورها، برداشت ها و جهان بینی و شناختی است که از محیط حاصل می شود. دکترین در واقع حاصل یک فرایند پویای تأثیر گذاری و تأثیر پذیری تفکرات، قدرت اندیشه و تعاملات ذهنی افراد با عوامل مؤثر محیطی است که به صورت اصول و قواعد بنیادی و کلی مطرح می شود و بیشتر ماهیت نظریه پردازی دارد. برخی حتی آن را مترادف نظریه دانسته اند.



همان طور که گفته شد دکترین از نظر ماهیت و محتوا به دو نوع دکترین فردی و دکترین سازمانی (دکترین در سطح سازمان یا در سطح ملی) قابل تمایز است.

دکترین فردی در واقع اصول، قواعد و چارچوب‌هایی است که در ذهن و اندیشه افراد حاکم بر طرز تفکر، اظهارنظرها، سیاستگذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و شیوه عمل، رفتار و حل مسأله توسط آنها است و اساساً از باورها، عقاید، تجارب، تحصیلات و آموزش، فرهنگ سازمانی و خاستگاه اجتماعی آنها نشأت گرفته و به خصوص بر تلقی و برداشت آنها از عوامل و متغیرهای محیط پیرامونی و بر جهان بینی و قالب‌های ذهنی آنان مبتنی و متکی می‌باشد، اعم از این که این اشخاص صاحب‌نظران، متخصصین، نظریه‌پردازان، مدیران، رهبران، سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان در یک سازمان یا در سطح ملی و مسوولین اداره جامعه و کشور باشند که دکترین خود را در قالب نظریه و بیانیه اظهار می‌کنند، یا افراد عادی باشند که حتی با مفهوم دکترین آشنا نبوده و آرا و عقاید خود را رسماً بیان نکنند. در حالی که دکترین سازمانی و ملی که از نظر نوع و ماهیت یکی بوده و تنها از نظر سطح و محتوا متفاوت می‌باشند، عبارتند از مجموعه نظریات و اندیشه‌های هماهنگ شده و اغلب به طور ضمنی مورد توافق و اجماع نظر قرار گرفته و در نهایت پذیرفته شده در یک سازمان یا در سطح ملی که به صورت مجموعه‌ای از اصول و قواعد بنیادی توسط مدیران، تصمیم‌گیرندگان و اعضای یک سازمان و یا سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان و مجریان امور در سطح ملی مطرح و مورد توجه قرار گرفته و تمامی سیاستگذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، اجرای عملیات و فعالیت‌های مختلف و انجام وظایف محوله بر اساس آنها صورت می‌پذیرد.

بدیهی است چنانچه دکترین در سطح سازمان‌ها، مثل نیروهای مسلح یا بخش‌های تخصصی آن وضع و تدوین شود، دکترین سازمانی و با عنوان خاص همان سازمان شناخته می‌شود. برای مثال دکترین عملیات زمینی یا دریایی یا دکترین انتظامی که مختص نیروهای زمینی، دریایی و انتظامی می‌باشند. و هرگاه در باره مسایل و امور ملی که مربوط به اداره امور کشور، کل جامعه و اموری که به تمامی مردم و منافع ملی مربوط می‌شوند، طراحی و



تدوین شود. دکترین ملی قلمداد خواهد شد، هرچند از نظر نوع و ماهیت با دکترین سازمانی شباهت بسیاری خواهد داشت.

دکترین سازمانی یا ملی از نظر ماهیت می‌تواند بدواً دکترین فردی رهبر، مدیر یا اندیشمند و صاحب‌نظری باشد که با توجه به جایگاه علمی، شأن و منزلت اجتماعی و مسوولیت شغلی فرد، نظرات او در سازمان- یا در سطح ملی- پذیرفته شده و سیاست‌گذاری، طرح‌ریزی و برنامه‌گذاری، تصمیم‌گیری و هدایت و اجرای عملیات سازمان یا جامعه تحت تأثیر آن صورت می‌پذیرد. حتی دکترین سازمانی و ملی را می‌توان با توجه به مجموعه یافته‌های تجربی و سایر عوامل موثر در تدوین دکترین به صورت علمی پژوهشی و کار گروهی طراحی و تدوین و تصویب و منتشر کرد. لیکن اغلب بر این عقیده‌اند که چنانچه دکترین به صورت مشروح تدوین شده، به تصویب مقامات مجاز رسیده و رسماً برای اجرا ابلاغ شود، صورت سیاست، آیین‌نامه و دستورالعمل به خود می‌گیرد.

در فرهنگ واژگان نظامی آمریکا دکترین نظامی اصول بنیادی است که بر مبنای آن نیروهای نظامی یا عناصر وابسته به آن اقدامات خود را در جهت پشتیبانی از هدف‌های ملی هدایت می‌کنند. اعمال دکترین تعیین شده الزامی است ولی نحوه اجرای آن بستگی به نظر و قضاوت مسوولین امر و شرایط محیط دارد.

دکترین نظامی بیانگر مجموعه‌ای از اصول، قواعد، خط‌مشی‌های کلی، افکار و اندیشه نظامی مبتنی بر یک یا چند اصل مشخص و محدود می‌باشد. دکترین نظامی خود می‌تواند بخشی از یک فلسفه یا ایدئولوژی نظامی و یا حاصل یک یا چند نظریه نظامی باشد و یا در چارچوب یک یا چند نظریه یا تئوری ارائه گردد. از سوی دیگر، می‌توان دکترین نظامی را دستورالعملی کلی دانست، که در حدهاصل اندیشه و نظریه نظامی و استراتژی نظامی قرار می‌گیرد، یعنی از نظر سلسله‌مراتب، پس از ایجاد و تدوین نظریه یا نوعی خاص از اندیشه نظامی، نوبت به تدوین و ارائه دکترین نظامی می‌رسد. بعد از آن با توجه به دکترین، استراتژی نظامی مورد نظر طراحی می‌شود. همچنین در تعریف دکترین نظامی و به ویژه در مورد محتوای آن گفته‌اند که دکترین نظامی کارآمد و مؤثر، چگونه جنگیدن را در آینده بر مبنای تجارب گذشته، مبتنی بر شرایط حال بیان می‌کند و ابزارهای لازم را



برای پیش‌بینی در مورد آنچه که فراروی نیروها در آینده وجود دارد و آنچه را که باید انجام دهند فراهم می‌آورد. دکترین نظامی همچنین زبان مشترکی را فراهم می‌آورد و آنچه را که نیروهای نظامی باید انجام دهند، به صورت موجز و شفاف بیان می‌کند.

در این مقاله مدل پنج‌مرحله‌ای برای فرایند تدوین دکترین نظامی ارائه شده و توضیحاتی درباره هر مرحله داده شده تا به تدوین‌کنندگان دکترین کمک شود تدابیر دکترینی خود را به طرح کلی نیروهای مسلح پیوند دهند. این نظریات، درونمایه و دروس برگرفته از آن و منطق نهفته در هر مرحله آن، سال‌ها در نیروهای مسلح معتبر باقی خواهد ماند و همچنان کاربردی و قابل اعتماد خواهند بود. مدل پنج مرحله‌ای سمت و سوی صحیح و راهنمای مراحل بعدی توسعه دکترین نظامی را فراهم می‌آورد.

فرماندهان نظامی و انتظامی در جمهوری اسلامی ایران، به ویژه فرماندهانی که در سطوح مختلف یگان‌های نظامی در طول جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق علیه ایران حضور فعال داشته و تجارب عینی و واقعی ارزشمندی را اندوخته‌اند، اکنون موظفند تا این اندوخته‌های گرانمایه خود را جهت تدوین دکترین نظامی در سطوح مختلف سلسله مراتب نظامی، به صورتی علمی-تجربی به رشته تحریر درآورده و دین خود را در ازای افتخاری که از شرکت در ۸ سال دفاع مقدس از میهن عزیز، در آن مقطع افتخارآفرین از تاریخ پرفراز و نشیب ایران عزیز نصیبشان شده است، در برابر نسل‌های آینده ادا کنند.

منابع فارسی

استفانز، ای. (۱۹۹۴). نتایج جنگ‌های هوایی از ۱۹۹۴-۱۹۱۴. مرکز مطالعات قدرت هوایی، کانبرا.

انگل برت، ژوزف ای. رابرت ال، بیوینگر، پاتریک ام، کاندری، مریلی دی. فکتو، جان پی. گیس و کوین سی. اسمیت. (۱۹۹۸). آینده دیگر برای سال ۲۰۲۵. دانشگاه هوایی، پایگاه هوایی مکس ول، آلاباما.

برونگس، جیمز. (۱۹۹۵). مهیا کردن شرایط، سرکوب پدافند هوایی دشمن و جنگ. نشریه قدرت هوایی، جلد هشتم، شماره ۴۱۴۱. انتشارات دانشگاه هوایی، پایگاه هوایی مکسول.



- درو، دنیس‌ام. (۱۹۹۵). ابداع روند دکترین. نشریه قدرت هوایی، جلد نهم، شماره ۴۱۴۲. انتشارات دانشگاه هوایی، پایگاه هوایی مکسول.
- دکترین جنگ زمینی (LWD-1) اصول جنگ زمینی، مدل دکترین نیروی زمینی استرالیا، کانبرا، ۱۹۹۸.
- ژیاک، جان جی. برداشت‌های شوروی از آیین و قدرت نظامی. ترجمه مسعود کشاورز، ۱۳۷۸. ساترلند. (۱۹۹۹). تأثیر فناوری بر توسعه دکترین قدرت هوایی. مرکز مطالعات قدرت هوایی، استرالیا، کانبرا.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت ملی. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عمید، حسن. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی عمید. مؤسسه انتشارات امیرکبیر. تهران: چاپ دوم.
- کالینز، جان، ام. استراتژی بزرگ. ترجمه کوروش بایندر. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- کتاب راهنمای تدوین دکترین نیروهای مسلح فیلیپین.
- موناهان، دانیل جی. تدوین دکترین سوختگیری هوایی، حفظ تجربه در نوشتار. دانشکده لجستیک و مدیریت آماد فرماندهی آموزش‌های هوایی.
- نوروزی، محمدتقی. (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی-امنیتی. مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران: انتشارات سنا.
- نیتایا. (۱۹۹۲). پایگاه هوایی مکسول، ایالات آلاباما. تدوین دکترین هوایی. آوریل ۱۹۹۷.
- واترز، گری. فرمانده تیپ هوایی، طرح ریزی عملیات های هوایی. استرالیا: مرکز مطالعات قدرت هوایی کانبرا، می.
- وونیزدات. (۱۹۶۵). به نقل از ویلیام اودوم، «دکترین نظامی شوروی»، مجله روابط خارجی، مسکو: زمستان ۱۹۸۹-۱۹۸۸.
- وودوارد، دانیل. نیاز به دکترین و تاکتیک‌های خلاقانه. دانشکده جنگ هوایی پایگاه هوایی مکسول ۱۹۹۷.
- هاشمی، محمدهدی. (۱۳۸۸). مهندسی دکترین شناختی امنیت انتظامی (منشور مدشا). پژوهشکده امنیتی انتظامی سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، منتشر نشده.
- هاوارد، مایکل. (۱۹۹۵). «مفهوم قدرت هوایی: یک ارزیابی تاریخی» زمستان.

هالیون، ریچارد پی. (۱۹۹۵). دکترین، فناوری و جنگ - چشم اندازی از اواخر قرن بیستم. دانشگاه هوایی، پایگاه هوایی مکسول. فرهنگ لغت مک کواری.

منابع لاتین

- AA6(V) NATO Glossary of Terms and Definitions.
- Beleyev, A, *The Military-Theoretical Heritage of M.V.* (Frunze, Krasnaya Zvezda) Red Star, November 4, 1984, *quoted in William Odom's article in Foreign Affairs* (magazine), Winter 1988/89
- Brasses Encyclopedia of Land Forces and Warfare, Executed Editor: frankin D. Margiotta.
- British Defense Doctrine*, Edition 3, 2008
- Canada Department of National Defense *.The Conduct of Land Operations B-GL-300-001/FP-000*, 1998: iv-v .
- Dan Ratter and Curtis Meek, *Determinates of military strategy*. 1993-1994: quantitative Empirical test, Black well presses 1999.
- Hardees's Tactics*.
- Posen, Barry. *The Sources of Military Doctrine: France, Britain, and Germany between the World Wars*. 1984, Cornell University Press .ISBN-0-3-9427-80 14
- Ratter, Dan and Curtis Meek, *Determinates of military strategy*. 1993-1994: quantitative Empirical test, Black well presses 1999.
- Sheffield, Gary, *Doctrine and Command in the British Army, A Historical Overview*, Army Doctrine Publication Land Operations, DGDandD, British Army ,May 2005.
- U S. Air Force University, Evaluation Division, Air University. *To Analyze the USAF Publications System for Producing Manuals*, staff study, 13 July 1948, *quoted in Futrell, Robert Frank. Ideas, Concepts, Doctrine: Basic Thinking in the United States Air Force, 1960-1970*. December 1989, Air University Press
- United States Southern Command Command Strategy 2016.
- www.southcom.mil/AppsSC/files/0UI011177092386.pdf, accessed 1-29-2008
- Wikipedia Encyclopedia. <http://fa.wikipedia.org/wiki>